

# بررسی مبانی حقوقی وضع تحریم های هوشمند علیه ایران و تاثیرات برجام بر این تحریم ها

(تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۰۳/۰۳ ، تاریخ تصویب ۱۳۹۶/۰۵/۰۵)

## دکتر نوبان فشندی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب

## حسین قادری

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل واحد الکترونیکی دانشگاه آزاد اسلامی

### چکیده

«تحریم» در تئوری به عنوان ابزاری برای برقراری «صلح پایدار جهانی» توسط شورای امنیت سازمان ملل به وجود آمد ولی در عمل به ابزاری برای دستیابی به اهداف ملی یا منطقه ای کشور یا کشورهای خاصی بدل شد. پس از روی کار آمدن باراک اوباما با سیاست خارجی دوسویه «تماس و مهار» یا «تعامل و فشار» در خصوص ایران، تحریمهای جدیدی با عنوان «تحریمهای هوشمند، هدفمند یا فلج کننده» مطرح گردید هدف این سیاست دوسویه تغییر رفتار ایران در زمینه های مورد نگرانی آمریکا شامل تروریسم، حقوق بشر و فعالیت های هسته ای ذکر می شود. نتیجه چنین سیاستی پرهیز از روبرو شدن با دو گزینه ایران هسته ای و حمله نظامی به ایران است و در همین راستا آمریکا با جلب همکاری سایر کشورها اقدام به اعمال تحریمهای هوشمند علیه مقامهای ایرانی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، صنایع نظامی، بنیادهای مهم اقتصادی شامل بخشهای بانکی، بیمه ای، تجاری و سرمایه گذاری، بخش انرژی شامل نفت، گاز، بنزین و پتروشیمی، بخشهای حمل و نقلی شامل کشتیرانی و هواپیمایی نمود. در این پژوهش علاوه بر بررسی مبانی و اصول تحریم در حقوق بین الملل به بررسی روند و کیفیت تحریم های اعمال شده علیه ایران پرداخته میشود و در پایان تلاش کرده ایم که نتایج برجام را در خصوص لغو تحریم ها با در نظر گرفتن متغیرهای زمان و موقعیت مورد بررسی و تدقیق قرار دهیم.



## بخش اول: تحریم ها و حقوق بین الملل

### بند اول: ابعاد نظری تحریم

تحریم اقتصادی هیچگاه بهترین روش حل و فصل مخاصمات بین المللی نبوده است اما همیشه آخرین روش قبل از توسل به زور بوده است. از سال ۱۹۹۰ تاکنون عراق، یوگسلاوی، یونان، لیبی، لیبیا، هائیتی، جبهه یونیتا در آنگولا، جبهه متحد انقلابی RUF، سومالی، رواندا، سیرالئون، افغانستان، گروه طالبان و القاعده، کنگو، سودان، بعضی اتباع لبنان، کره شمالی و ایران از طرف شورای امنیت سازمان ملل تحریم شده اند. اما از تحریمهای یکجانبه باید از گفته "ریچارد چنی" وزیر دفاع سابق آمریکا نقل قول کنیم که "بیش از ۷۰ کشور با دو سوم جمعیت جهان تحت تأثیر تحریمهای آمریکا قرار دارند". تحول در مفهوم حاکمیت و نتایج گوناگون تحریم در گذر تاریخ موجب شده است تا موضع گیری های کارشناسانه در مورد تحریم اشکال مختلفی به خود بگیرد.

برای شناخت دقیق تحریم و ارائه تعریفی جامع و مانع از آن و برای آنکه بتوانیم مصادیق واقعی آن را شناسایی نمائیم باید در وهله اول تفاوت مفهوم "تحریم اقتصادی" با "تحریم تجاری" مشخص گردد. هر چند در ظاهر "تحریم تجاری" و "تحریم اقتصادی" از نظر اقتصادی یک تأثیر دارند اما از نظر حقوقی دارای آثار متفاوتی هستند. تحریم تجاری محدودیت هائی است که دولت های ملی بر تجارت بین الملل اعمال می کنند. اینگونه محدودیت های تجاری اهداف تعریف شده سیاست تجاری یک دولت است در حالی که در تعریف تحریم اقتصادی آن را چون ابزاری برای نیل به اهداف سیاست خارجی مطرح می کنند.

به طور خلاصه آنچه که تمایز میان تحریم تجاری و اقتصادی را بازگو می کند وجود منافع اقتصادی برای کشور محدود کننده تجاری است و وجود منافع سیاسی برای کشور تحریم کننده اقتصادی است. هر چند ممکن است در این حالت کشور تحریم کننده از لحاظ اقتصادی متضرر نیز بگردد.

بنا به تعریف، تحریم اقتصادی عبارت از یک سلسله سیاست های برنامه ریزی شده به دولت برای محدود کردن مناسبات اقتصادی (به طور کل) با دولتی دیگر، به منظور دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی خود است. تحریم ها می توانند به طور یک جانبه، چند جانبه و یا براساس قطعنامه های بین المللی اعمال شوند. تحریم بین المللی مستلزم صدور قطعنامه سازمان ملل است؛ اما در تحریم چند جانبه معمولاً چند کشور برای اعمال تحریم علیه یک کشور دیگر با هم توافق می کنند. در تحریم یک جانبه نیز یک کشور به تنهایی علیه کشور دیگر وارد عمل می شود. دو مورد اخیر مستلزم صدور



قطعنامه شورای امنیت نیست و توافق کشورها زمینه تحریم را فراهم می کند. اگر در یک تحریم چند جانبه یا بین المللی حلقه ضعیف وجود داشته باشد کل تحریم ضعیف می شود، زیرا استحکام کلی یک رشته زنجیر به مقاومت ضعیف ترین حلقه آن بستگی دارد.

در تحریم های بین المللی، اغلب پیش از اعمال تحریم کامل مجموعه ای از اقدامات صورت می گیرد که می تواند شامل موارد زیر باشد:

(۱) تشویق یا ترغیب از طریق مذاکره دو جانبه؛

(۲) اعلام عمومی و هشدار برای آگاه کردن کشور مورد نظر؛

(۳) مشاوره با متحدین برای ایجاد ائتلاف؛

(۴) آغاز تحریم های غیراقتصادی:

(الف) لغو جلسات چند جانبه بین المللی در کشور مورد تحریم

(ب) لغو اعطای روادید به مسئولین کشور مورد تحریم

(ج) کاهش روابط دیپلماتیک با کشور مورد تحریم

(د) عدم اعطای تسهیلات و کمک های مالی

(ه) قطع ارتباطات مختلف

(و) انواع تحریم

تحریم های اقتصادی از جمله سازوکارهای اجرایی عمده ای است که در سالهای اخیر به دفعات متعدد از سوی شورای امنیت علیه بسیاری از کشورها اعمال شده است. سابقه اعمال این تحریم ها در دوران جنگ سرد تنها در دو مورد علیه کشورهای رودزبای جنوبی (زیمبابوه) در ۱۹۶۶ و آفریقای جنوبی در ۱۹۷۷ مشاهده می شود. پس از جنگ سرد، شورای امنیت سازمان ملل چنین تحریم هایی را علیه کشورهای عراق، یوگسلاوی سابق، آنگولا، لیبی، رواندا، لیبیا، هائیتی، سودان و ایران اعمال کرده است. در واقع هدف از اعمال تحریم های اقتصادی، جلوگیری از هنجارشکنی اعضای جامعه بین الملل و تشویق به رعایت این اصول و هنجارهاست.

تحریم ها براساس اهداف به دو نوع تقسیم می شوند:

۱. تحریم با هدف استراتژیک؛ در این حالت، منافع استراتژیک یک کشور در خطر قرار دارد، در این صورت تحریم جایگزین جنگ می شود (هزینه اش از جنگ کمتر است)؛

۲. تحریم با هدف تغییر رفتار؛ در این حالت، تحریم همه جانبه نخواهد بود و تغییر رژیم و بی ثبات کردن آن مورد نظر نیست.

همانطور که بیان شد هدف اصلی از اعمال تحریم های اقتصادی، جلوگیری از هنجارشکنی اعضای جامعه بین الملل و تشویق به رعایت این اصول و هنجارهاست. اما طی دوره اخیر، شورای امنیت در اثر فشار قدرتهای بزرگ رویکردی دوگانه در قبال اعضاء اتخاذ نموده است. به عنوان مثال ایالات متحده آمریکا که به بهانه های مختلف سایر کشورها و دولت ها را مورد تهاجم قرار می دهد و یا تهدید به عملیات نظامی می کند و یا رژیم صهیونیستی که منشأ بسیاری از بحرانهای منطقه ای است، مصون از هرگونه اقدامات تحریمی هستند.

### **بند دوم: جایگاه تحریم در منشور سازمان ملل متحد**

بی شک مجازات متخلفان نقش به سزایی در کارایی هر نظام حقوقی بعهده دارد، یکی از مظاهر پیشرفت نظام حقوقی، وجود مقررات دقیق و جامعی در زمینه ضمانت اجراست. در جامعه بین المللی به علت برخورداری هر یک از اعضای آن از حاکمیت که مانع اصلی ایجاد قدرت مافوق دولتها می باشد، در صورت نقض حقوق بین الملل دولت ها می توانند راسا اقداماتی را به منظور مجازات متخلف انجام دهند. این اقدامات می تواند اعتراض دیپلماتیک، قطع روابط دیپلماتیک یا تجاری و یا لغو یکجانبه قرارداد باشد. همزمان با پیشرفت و توسعه حقوق بین الملل عمومی و در روابط با سازمان دهی روز افزون جامعه بین المللی، ضرورت انتقال تدریجی صلاحیت توسل به مجازات از دولت ها به سازمانهای بین المللی مشاهده شد. برای اولین بار بعد از پایان جنگ بین المللی اول، در چهار چوب میثاق جامعه ملل موضوع توسل به مجازات اقتصادی منجمله قطع روابط تجاری، و مجازات نظامی علیه دولتی که بدون در نظر گرفتن تعهدات خود ناشی از میثاق صلح را نقض کرده پیش بینی شد.

طبق ماده ۱۶ میثاق هر یک از اعضای جامعه ملل موظف بودند که بی درنگ روابط خود را با دولت خطا کار قطع کند. توسل به مجازات نظامی بر خلاف مجازات اقتصادی علیه دولت خطا کار الزامی نبود. شک نیست که تعهدات دولت ها در چهار چوب میثاق جامعه ملل به معنای سلب صلاحیت در زمینه توسل به مجازات اقتصادی و نظامی نیست و فقط دولت ها را در صورت نقض صلح ملزم به توسل به مجازات اقتصادی علیه دولت خاصی می کند. معهدا باید اذعان کرد که میثاق جامعه ملل اولین گام در جهت تنظیم مقرراتی در زمینه توسل به مجازات در سطح بین المللی و محدود کردن آزادی عمل دولتهاست. قدم دوم که نقش فوق العاده موثری در این زمینه دارد. مقرراتی است که در

منشور سازمان ملل متحد وضع شده است. طبق فصل هفتم منشور، در صورت تهدید علیه صلح، نقض صلح و اعمال تجاوز از طرف دولت عضو، شورای امنیت این سازمان می تواند به منظور تضمین صلح متوسل به عملیات اجرایی شود. اقدامات این شورا ممکن است ((شامل متوقف ساختن تمام و یا قسمتی از روابط اقتصادی...)) باشد و در صورتیکه اقدامات اخیر کافی نباشد شورا می تواند متوسل به نیروهای مسلح پیش بینی شده در منشور شود. در هر دو مورد اقدامات شورای امنیت برای کلیه اعضای سازمان الزام آور خواهد بود. بدین ترتیب بر خلاف میثاق جامعه ملل، منشور سازمان ملل متحد مسؤلیت توسل به مجازات اقتصادی و نظامی را به شورای امنیت محول میکند. اقدامات دولتها در این زمینه موقوف به اتخاذ تصمیم توسط این رکن میباشد و هیچ گونه عملیات اجرایی و اقدامات قهر آمیز حتی ((به موجب قراردادهای منطقه ای بدون اجازه شورای امنیت انجام نخواهد گرفت)) و به طریق این محدودیت شامل دولتها نیز می شود.

محدودیت فوق عملاً به منزله انتقال صلاحیت توسل به مجازات اقتصادی و تحریم اقتصادی از دولتها به سازمان ملل متحد است و حتی در مواردی که شورای امنیت از تصمیم گرفتن در این باره خودداری کند و یا به عللی منجمله رأی منفی یکی از اعضای دائم شورا و یا عدم حصول اکثریت موفق به تصویب قطعنامه نشود دولتهای عضو این سازمان نخواهند توانست متوسل به تحریم اقتصادی شوند. نظر به اهمیت مجازات اقتصادی و عواقب آن برای صلح جهانی سلب صلاحیت از دولتها در این زمینه به نفع شورای امنیت که مسؤلیت برقراری صلح جهانی را بعهده دارد امری طبیعی و منطقی بنظر می رسد. تحولات اخیر حقوق بین الملل نیز در جهت تأیید نظریه فوق می باشد. بنابراین با توجه به اینکه حفظ صلح و امنیت بین المللی به عنوان مسؤلیت اولیه به عهده شورای امنیت گذارده شده است، توسل به اقدامات اجبار کننده را باید مهمترین ابزار برای برقراری صلح جهانی تلقی کرد. در واقع اهداف منشور سازمان ملل با اجرای مقررات فصل هفتم این منشور (مواد ۳۹ تا ۵۱) و خصوصاً مواد ۴۰ و ۴۱ آن تحقق می یابد. پیش از اینکه شورای امنیت براساس موارد ۴۱ و ۴۲ اتخاذ تصمیم کند، بایستی به موجب ماده ۳۹ احراز شود که آیا «تهدید علیه صلح» «نقض صلح» یا «اقدام تجاوز کارانه» صورت گرفته است یا خیر. به عبارت دیگر تصمیمات شورای امنیت براساس فصل هفتم فقط با احراز یکی از مفاهیم مندرج در ماده ۳۹ باید اخذ شود. در صورت احتمال بروز هر کدام از این موارد، یکی از راه های پیش بینی شده جهت اعمال فشار بر کشورهای ناقض صلح یا متجاوز، برقراری تحریم به عنوان یک راه حل غیرنظامی می باشد. شورای امنیت براساس ماده ۴۱ به اقداماتی متوسل می شود که



متضمن توسل به زور نیست. براساس تمهیدات پیش بینی شده در فصل هفتم، شورای امنیت سازمان ملل متحد می تواند واکنش خود را نسبت به تهدید امنیت و صلح بین المللی، با توسل به تحریم ها نشان دهد.

در این قبیل اقدامات، شورای امنیت می تواند از اعضای ملل متحد بخواهد تا به اقداماتی چون قطع تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و یا سایر وسایل ارتباطی و یا قطع روابط سیاسی متوسل شوند.

### **بخش دوم: محدودیت های حقوقی شورای امنیت در اعمال تحریم ها**

#### **بند اول: محدودیت های شورا به موجب اصول حقوق بین الملل عام**

برخی عقیده دارند که شورای امنیت موظف می باشد از حقوق بین الملل عام تخلف ننماید مگر آنکه منشور در مورد خاص اجازه ی چنین اقدامی را به شورا داده باشد. التزام شورای امنیت به اصول بین الملل عام در زمینه ی اعمال تحریم های اقتصادی مستلزم رعایت سه اصل مهم می باشد: اصل انسانی بودن اصل ضرورت و اصل تناسب

#### **الف) اصل انسانی بودن تحریم های اقتصادی**

این اصل که به مفهوم رعایت جنبه های انسانی در اعمال این گونه تحریم هاست یکی از اصول مهم برگرفته از حقوق بین الملل عام می باشد. با این وجود اصل انسانی بودن مستلزم رعایت حقوق بشر و سایر حقوق انسانی می باشد نکته ای که لازم است مدنظر قرار گیرد این است که اصل انسانی بودن با اصل رعایت موازین حقوق بین الملل بشر متفاوت است، به این معنا که اصل انسانی بودن دایره وسیع تری دارد و بسیاری از حقوق انسانی را که در زمره حقوق بشر قرار نمی گیرند نیز دربرمی گیرد. با این وجود، اصل انسانی بودن با توجه به گستره وسیع خود، مستلزم رعایت حقوق بشر نیز می باشد و اعم از حقوق بشر و سایر حقوق انسانی است. اصل انسانی بودن مصادیق متعددی دارد؛ ماده ۲ کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹ در بیان حقوق اسیران جنگی، برخی از این مصادیق را ذکر کرده است که عبارتند از: آسایش فردی، بهداشت، محل مناسب زندگی، مواد خوراکی مناسب و مغذی، دسترسی به آب آشامیدنی کافی، پوشاک، مراقبت پزشکی، حق انجام مناسک مذهبی و فرصت انجام دادن فعالیتهای فکری، آموزشی، تفریحی، ورزش و بازی. همان گونه که ملاحظه می شود، اصل انسانی بودن از دایره شمول گسترده ای برخوردار است و کلیه حقوق انسانی اعم از حقوق بشر و غیر آن را دربرمیگیرد. نتیجه اعمال اصل انسانی بودن به عنوان یک اصل کلی حقوقی بر اقدامات غیرنظامی شورای امنیت،



این است که چنین اقداماتی نباید به آن درجه از شدت باشند که انسان ها را در معرض شرایط غیرانسانی حیات قرار داده و با خطر بیماری و مرگ مواجه سازند.

## ب) اصل ضرورت

اصل ضرورت در هر موردی که به یک مرجع عمومی اختیارات تشخیصی اعطاء شده باشد، کاربرد دارد. چنین مرجعی باید این امر را احراز نماید که اقداماتی که اعمال می کند به منظور نیل به اهداف اساسی که به خاطر آنها ایجاد گردیده، ضروری می باشند. اصل ضرورت در زمین های متعددی کاربرد دارد که از آن جمله می توان به روابط بین المللی، حقوق بین الملل بشرو حقوق مخاصمات مسلحانه اشاره نمود. از آنجایی که سازمان ملل متحد به اصول کلی حقوق بین الملل ملزم می باشد، شورای امنیت ملزم به رعایت اصل ضرورت به عنوان یکی از اصول حقوق بین الملل عام خواهد بود.

استناد به اصل ضرورت در روابط بین المللی در موارد مختلفی ممکن است انجام پذیرد. به عنوان مثال کشوری که با یک خطر شدید و قریب الوقوع مواجه می گردد و ناگزیر می شود از تعهدات بین المللی خود تخطی نماید به این دلیل که تنها شیوه حفاظت از منافع اساسی اش را در این اقدام می بیند، می تواند به اصل ضرورت استناد نماید.

برخی از حقوقدانان، ضرورت را یکی از جنبه های تناسب محسوب نموده اند. به نظر آنان، تناسب در صورتی تحقق خواهد یافت که تحریم اقتصادی، اولاً ضروری باشد و ثانیاً در قبال رفتار متخلفانه طرف مقابل، واکنشی مناسب به شمار آید. معیار ضرورت با موضوع کارامدی تحریم نیز ارتباط دارد برای تحقق شرط ضرورت برنامه تحریم باید به گونه ای طراحی شده باشد که بتوان به نحو متعارف از آن انتظار تحقق بخشیدن هدف مورد نظر را داشت. به عبارت دیگر، رفتار تحریم شونده را تغییر داده و موجب گردد که او از قواعد حقوقی تبعیت نماید. نکته دیگر آن است که لازمه اصل حسن نیت، به عنوان یکی از اصول کلی حقوقی، رعایت اصل ضرورت می باشد. به عبارت دیگر اصل حسن نیت ایجاب می نماید، مرجع تحریم کننده، در اعمال تحریم به اقدامی فراتر از حد لازم مبادرت نورزد. بنابراین شورای امنیت هنگام ایفای وظایف خود از جمله زمانی که لازم می بیند در برابر تهدید یا نقض صلح واکنش نشان دهد، باید با حسن نیت عمل نماید، در نتیجه لازم است براساس اصل ضرورت اقدام کند. با پذیرش این مطلب که اصل ضرورت به عنوان یکی از اصول کلی حقوقی نسبت به اقدامات شورای امنیت قابل اعمال می باشد، این نتیجه حاصل می شود که هرگونه خدشه به حقوق بشر قابل تعلیق که منطقیاً به عنوان نتیجه این قبیل اقدامات قابل پیش بینی است، باید در جهت نیل به



هدف مشروع اقدامات مزبور، ضروری تشخیص داده شود. به عنوان مثال، چنانچه ممنوعیت یا محدودیت مسافرت بین المللی افراد مقیم در کشور مورد تحریم به عنوان بخشی از اقدامات اجرایی غیرنظامی، مورد توافق قرار گیرد باید محرز شده باشد که چنین محدودیتی نسبت به حقوق شهروندان آن کشور برای نیل به هدف مشروع اقدامات مزبور، ضروری است.

### ج) اصل تناسب

اصل تناسب با ضرورت ارتباط دارد. گفته می شود که میزان هر محدودیتی باید دقیقاً با ضرورت تناسب داشته باشد و یا متناسب با منفعت بالاتری باشد که به وسیله آن محدودیت، مورد حمایت قرار گیرد. اصل تناسب صرفاً در ارتباط با اقدامات مشروع و ضروری قابل استناد می باشد. بنابراین چنانچه اقدامی از نظر حقوق بین الملل نامشروع و متخلفانه باشد، استناد به معیار تناسب به منظور مشروع جلوه دادن آن نمی تواند موجه باشد؛ اقدامات متقابل و تصمیمات شورای امنیت در چارچوب فصل هفتم منشور ملل متحد از جمله اقدامات مشروعی می باشند که استناد به معیار تناسب در مورد آنها امکان پذیر است. اصل تناسب مستلزم آن است که تحریم ها متضمن واکنشی مناسب در قبال رفتار کشور مورد تحریم باشد. به این منظور لازم است منافع حاصله از برنامه تحریم بیش از زیان های ناشی از آن باشد. طبق ماده ۵۱ طرح مواد راجع به مسئولیت دولتها اقدامات متقابل باید با در نظر گرفتن شدت عمل متخلفانه ی بین المللی و حقوق مورد بحث با زیان وارده متناسب باشد. تناسب هرگز به معنای تشابه و تساوی نیست؛ زیرا در این صورت، به عنوان مثال، نقض شدید حقوق بشر در طول اعمال تحریم اقتصادی به منظور مقابله با نقض شدید حقوق بشر در یک کشور مجاز خواهد بود که امری غیرمنطقی است. نکته دیگر در ارتباط با اصل تناسب این است که طولانی شدن تحریم اقتصادی در شرایطی ممکن است معیار تناسب را دستخوش تغییر نماید ممکن است با بوجود آمدن تغییراتی در کشور مورد تحریم، اقدامی که در آغاز معمولی و متناسب بوده به یک اقدام ویرانگر و نامتناسب تبدیل گردد البته عکس این موضوع نیز صادق است؛ به این معنا که ممکن است تغییرات ایجاد شده، تحریمی را که ابتدائاً نامتناسب بوده است به اقدامی متناسب تبدیل نماید. همچنین این امکان وجود دارد که با تغییر شرایط در کشور مورد تحریم، تحریم هایی که در آغاز متناسب بوده اند، کارآیی و تأثیرگذاری اولیه خود را از دست بدهند و به صورت اقداماتی بیش از حد ملایم درآیند. در هر صورت، با تغییر شرایط و اوضاع و احوال، تغییر و تعدیل تحریم ها به منظور رعایت اصل تناسب ضروری خواهد بود.





ذکر این نکته نیز ضروری است که طولانی شدن مدت تحریم بدون بروز تغییرات اساسی در وضعیت کشور مورد تحریم، به خودی خود، تناسب را منتفی نمی سازد؛ زیرا هرچند تشدید تحریم ها بدون در نظر گرفتن اصل تناسب مجاز نمی باشد، اما تداوم تحریم ها به منظور نیل به هدف مورد نظر مجاز است.

### **بند دوم: محدودیت های شورا به موجب قواعد آمره**

این دیدگاه که شورای امنیت دست کم به قواعد آمره ملتزم می باشد مورد مناقشه نیست. آنچه که درباره آن اتفاق نظر وجود ندارد این است که آیا شورای امنیت منحصراً ملزم به رعایت قواعد آمره می باشد؟ این عقیده که شورای امنیت فقط ملزم به رعایت قواعد آمره می باشد، پذیرفتنی نیست؛ زیرا این نهاد به عنوان یک رکن اصلی سازمان ملل متحد، باید وظایف خود را براساس اساسنامه سازمان و نیز قواعد عام حقوق بین الملل و قواعد آمره و همچنین معاهدات بین المللی انجام دهد. این نکته را نیز باید مدنظر قرار داد که قاعده آمره منبع مستقلی محسوب نمی گردد بلکه وصف و ویژگی سایر منابع حقوق بین الملل از جمله معاهدات عام و حقوق بین الملل عرفی می باشد. به عبارت دیگر قواعد آمره از حیث منشأ تکوین و تکامل همواره به معاهدات عام و حقوق بین الملل عرفی متکی هستند. نتیجه ای که از احراز شخصیت حقوقی بین المللی سازمانهای بین المللی استنباط می گردد این است که این سازمانها علاوه بر آنکه باید وظایفی را بر مبنای اساسنامه خود انجام دهند، به همان ترتیب ملزم به رعایت کلیه اصول حاکم بر حقوق معاهدات، در رابطه با معاهداتی هستند که به عنوان یک شخصیت حقوقی بین المللی بادولتها و یا سایر سازمانهای بین المللی منعقد می نمایند. قواعد آمره می تواند محدودیتهای شناخته شده متعددی را که نسبت به اختیارات شورای امنیت می توان از منشور، اصول کلی حقوق بین الملل و عرف استنباط نمود، تکمیل نماید. کمیسیون حقوق بین الملل قواعد آمره را در ارتباط با موجبات زوال وصف متخلفانه و مشروعیت اقدامات متقابل نیز مورد اشاره قرار داده است. از آنجایی که تحریم های اقتصادی همانند اقدامات متقابل اعمالی واکنشی محسوب می شوند و برای آنکه از مشروعیت برخوردار باشند، در دارا بودن برخی از شرایط با اقدامات متقابل وجه مشترک دارند، نظر کمیسیون به تحریم های اقتصادی نیز قابل تعمیم می باشد. ضمن آنکه برخی از دیدگاههای کمیسیون بیانگر قواعد عرفی و یا اصول کلی حقوقی است. بر این اساس اصولاً اتخاذ تحریم های اقتصادی مغایر با موازین حقوق بشر در قبال نقض حقوق بشر مجاز نخواهد بود، مگر آنکه در چارچوب اصول ضرورت و تناسب، اهمیت حقوق بشری که هدف تحریم های اقتصادی حمایت از



آنهاست، بیش از حقوقی رهگذر اعمال تحریم های اقتصادی نقض می شوند. روشن است منشور ملل متحد حداقل در عالم حقوق همواره در معرض تهدید بطلان از طریق ایجاد یک قاعده آمره بین المللی می باشد و در صورت تحقق این امر، تجدیدنظر در منشور ضروری خواهد گردید؛ زیرا وجدان جامعه بین المللی با پذیرش قاعده آمره مغایر با منشور ملل متحد، در واقع اراده خود را جهت تجدیدنظر در منشور ظاهر ساخته است ... به این لحاظ می توان گفت قاعده آمره ... مسامحتاً می تواند زیربنای قانون اساسی در جامعه بین المللی قرار گیرد و به همین دلیل منشور ملل متحد در پرتو اوامر و نواهی آن قرار می گیرد؛ زیرا در تحلیل نهایی معاهده ای بین المللی با ویژگیهای خاص خود می باشد و نه بیشتر و در سلسله مراتب حقوقی، قاعده آمره بر آن حکومت می نماید. قواعد آمره مندرج در معاهدات بین المللی نیز بر منشور مقدم می باشند و شورای امنیت نباید آنها را نقض نماید. در نتیجه شورای امنیت موظف است در وضع برنامه های تحریم اقتصادی، قواعد آمره را در نظر گیرد و حتی این قواعد را بر مقررات منشور نیز مقدم دارد بر این اساس، شورای امنیت، به عنوان مثال باید در اعمال تحریم های اقتصادی، حق حیات را که جزء قواعد آمره می باشد، رعایت نماید.

### **بند سوم: محدودیت های شورا به موجب قواعد خاص منشور ملل متحد**

#### **الف) مؤثر بودن تحریم های اقتصادی**

تحریم اقتصادی یکی از انواع اقدامات دسته جمعی می باشد و بر این اساس باید از کارآمدی و تأثیر گذاری لازم برخوردار باشد. چنانچه اقدامات دسته جمعی، از جمله تحریم های اقتصادی برای حفظ صلح و امنیت بین المللی مؤثر نباشند، نباید اعمال گردند و در صورتی که اجرای آنها آغاز شده و بی تأثیر تشخیص داده شده اند باید متوقف گردند. از آنجایی که جمعیت غیرنظامی غیر مسلح به احتمال فراوان قادر به تهدید صلح نمی باشد، بعید است اعمال تحریم های اقتصادی علیه آن به عنوان اقدامی مؤثر به منظور اعاده صلح تلقی گردد. بر همین اساس، یکی از وظایف کمیته های تحریم شورای امنیت بررسی موضوع تأثیر گذاری و کارآمدی تحریم های اقتصادی می باشد. اعمال تحریم ها به صورت پلکانی و تشدید آنها نیز نشانگر آن است که شورای امنیت به کارآمدی و مؤثر بودن تحریم ها توجه خاصی دارد. همچنین در سالهای اخیر شورای امنیت با اعمال تحریم های هوشمند که مستقیماً علیه افراد متخلف و یا سران دولتهای خاطی به اجراء درمی آید، در راستای مؤثرتر ساختن تحریم ها گام برداشته است.



## ب) هماهنگی در اعمال تحریم های اقتصادی

از یک سو در استفاده از تحریم های اقتصادی، شورای امنیت باید اصل عدم تبعیض را مراعات نموده و چنانچه شرایط و وضعیت در قضایای جداگانه، مشابه بوده و اعمال تحریم اقتصادی را ایجاب نماید، به استفاده از تحریم های اقتصادی مشابه مبادرت ورزد. از سوی دیگر، در اجرای برنامه های تحریم نیز تفاوتی میان کشورها مگر براساس شرایطی که برای مؤثرتر ساختن تحریم ها ضروری است قایل نشود. به بیان دیگر، شدت و ملایمت تحریم ها صرفاً باید بر مبنای شرایط واقعی و نیز با رعایت اصل تناسب تنظیم گردد و شورا نباید در این زمینه براساس انگیزه ها و ملاحظات سیاسی عمل نماید.

ج) مواد ۳۹ و ۴۱ منشور ملل متحد

اگر ماده ۴۱ به تنهایی در نظر گرفته شود بیانگر آن خواهد بود که شورای امنیت می تواند صرف نظر از وجود یا فقدان تهدید علیه صلح یا نقض صلح، هریک از اقدامات مذکور را در هر زمان اعمال نماید. چنین برداشتی با مفاد ماده ۳۹ منشور مغایر می باشد. مواد ۳۹ و ۴۱ باید در ارتباط با یکدیگر مورد توجه قرار گیرند. اقدامات مذکور در ماده ۴۱ در صورتی قابل اعمال می باشد که شورا وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز را که در ماده مقرر گردیده است، احراز نموده باشد. در واقع شورا پس از آنکه وجود هریک از وضعیت های مذکور در ماده ۳۹ را احراز نمود، این اختیار را دارد که از طرفهای ذی نفع بخواهد اقدامات موقتی را که شورا ضروری یا مطلوب تشخیص می دهد، به عمل آورند (ماده ۴۰ منشور) و تصمیم بگیرد، اقداماتی را که متضمن استفاده از نیروی مسلح نباشد، برای اجرای تصمیماتش اعمال نماید ماده ۴۱ منشور، یا چنانچه ثابت شود اقدامات مذکور در ماده ۴۱ ناکافی می باشد، تصمیم به اتخاذ اقداماتی به وسیله نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی بگیرد که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین المللی ضروری باشد. (ماده ۴۲ منشور)

بنابراین تشخیص اینکه اقدامات لازم به تدریج و در مراحل مختلف اجرا شود و یا آنکه از همان آغاز اقدام مقتضی اعم از تحریم اقتصادی و یا اقدامات نظامی به عمل آید با شورای امنیت خواهد بود تا براساس شرایط و اوضاع و احوال موجود، تصمیم گیری نماید. در واقع توالی منطقی مقرر در منشور، برگرفته از اصول ضرورت و تناسب می باشد، به این معنا که اولاً، اقدامات اجرایی در چارچوب فصل هفتم منشور برای حفظ یا اعاده صلح ضرورت داشته باشد و ثانیاً، این اقدامات با توجه به خصوصیات هر قضیه، متناسب باشند.



## بخش سوم: تحریم های هوشمند اعمال شده علیه ایران و برجام (برنامه جامع اقدام مشترک)

### بند اول: تبعات تحریم اقتصادی بر بخش کشاورزی:

آثار احتمالی تحریم اقتصادی در بخشهای مختلف اقتصادی ایران است. از آنجایی که بخش کشاورزی از حوزه های بسیار حساس به شمار می آید که به طور مستقیم با امنیت غذایی توده مردم سر کار دارد. بالطبع در صورت وقوع چنین رویدادی، پیامد های ناشی از آن بیش از همه بر این بخش سایه می افکند. عواقب و آثار ناشی از تحریم را در بخش کشاورزی نگران کننده است و در چنین شرایطی ممکن است ابتدا تولیدات کشاورزی بدلیل اهمیت و حمایت بیشتر دولت افزایش یابد اما در بلند مدت نا رسیهای بسیاری پدید خواهد آمد. دولت در سال اول و دوم مجبور میشود با پرداخت یارانه و افزایش سطح زیر کشت، قیمت کالاهای استراتژیک را برای مصرف کننده تا حدودی ثابت نگه دارد اما برخی از محصولات به دلیل تولید کم به تدریج قیمتشان افزایش می یابد و در این صورت سطح زیر کشت آنها بالا میرود و در نتیجه تولید کالاهای استراتژیک پایین می آید. در واقع یک حرکت سینوسی در تولیدات به وجود می آید که بدون بهره گیری از تولید، تثبیت این حرکت سخت خواهد بود مگر اینکه دولت، تولید آزاد حذف کند. بر اثر تحریم اقتصادی، اقتصاد کشاورزی ما نیز کاملاً درون گرایی شود و در این اقتصاد، غیر رقابتی خواهد بود و در یک اقتصاد غیر رقابتی، تقاضا بالا و عرضه محدود است.

تحریم نفت، توان سرمایه گذاری در بخش کشاورزی را از بین میبرد چرا که دولت حتی نمی تواند هزینه های خود را تأمین کند. چنانچه در آمد نفتی مسدود شود کارخانه ها تعطیل و تولیدات کاهش می یابد و در این صورت مردم مالیات پرداخت نخواهند کرد و از این رو درآمدی هم برای دولت ایجاد نمی شود و دولت در آستانه ورشکستگی قرار می گیرد.<sup>۱</sup>

افزایش فساد مالی نیز یکی دیگر از پیامدهای تحریم به شمار می آید: افزایش فساد، نابرابری های زیادی را در جامعه ایجاد میکند و دوباره، میلیاردرهای یک شبه که به قدرت وابسته اند، فراوان میشوند. به گفته تحلیلگران نابسامانی های اقتصادی کشور ما نیز بخش کشاورزی را در برابر تحریم اقتصادی دچار آسیب و تنش میکند. با توجه به این که طبق آمار، نزدیک به ۸۲ درصد از مواد غذایی



<sup>۱</sup> کلاوسون، ترجمه محمدی نجم، ۱۳۷۶، ص ۲۱۹

در داخل تولید میشود و در سالهای اخیر میزان تولیدات کشاورزی افزایش یافته است آنچه که در شرایط تحریم بخش کشاورزی تهدید خواهد کرد، خطر خارجی نیست بلکه خطر داخلی است . با توجه به حضور دلالات و واسطه ها در بخش کشاورزی ، افراد و سازمانهایی در فاصله ی بین تولید تا توزیع دخالت دارند که با استفاده از سرمایه های خود در مالکیت و حاکمیت ، در شرایط تحریم ، قیمت کالاها را به طور مصنوعی بالا برده و بدین ترتیب اقشار وسیعی از مردم را از دستیابی به حداقل مواد غذایی محروم میکنند و امنیت غذایی را به مخاطره می اندازند .

گسترش احتکار و قاچاق کالاهای کشاورزی غیر بهداشتی از دیگر تبعات تحریم است . افزایش تولید محصولات کشاورزی برای جبران کمبودهای ناشی از قطع واردات بدون توجه به روابط حاکم بر تولید، توزیع و مصرف ، نارسا است . در کشور ما ، مراحل تولید ، توزیع و مصرف جدا از هم مطرح بوده و تولید بدون توجه کافی به نظام توزیع و مصرف در نظر گرفته میشود ، در حالی که این سه مرحله ، چرخه ی کاملاً متحدی تشکیل می دهند و نارسایی در یکی از این مراحل موجب بحران در دیگری می شود . نظام اقتصادی ایران نابسامان ، آشفته ، بدون نقشه و فاقد شبکه ای از روابط بین بخش های معدن ، صنعت ، کشاورزی و امور مالی است ؛ در صورتی که کشورهای پیشرفته دارای شبکه ی پیچیده ای از روابط بین این بخش ها هستند که اقتصاددانان، آن را می شناسند و واردات ، صادرات و تولید محصولات متکی به مصالح و امکانات آن شبکه داخلی صورت میگیرد .<sup>۱</sup>

حوزه ی کشاورزی در ایران به دلیل عدم وجود این شبکه در برابر تحریم آسیب پذیر است . ضمن آنکه برنامه های سوم و چهارم توسعه نیز بر این اساس ، بر تحلیل های دقیقی از اقتصاد تکیه ندارد و آنچه که منعکس می شود ، کمتر مطابق با داده های جامعه است و به همین خاطر ، برنامه ها تاکنون راه به جایی نبرده است . تولیدات محصولات کشاورزی به دلیل وابستگی کم به درآمد ارزی و تکنولوژی خارجی ، لطمه ی زیادی نخواهد دید .

حوزه ی کشاورزی در ایران به دلیل عدم وجود این شبکه در برابر تحریم آسیب پذیر است . ضمن آنکه برنامه های سوم و چهارم توسعه نیز بر این اساس ، بر تحلیل های دقیقی از اقتصاد تکیه ندارد و آنچه که منعکس می شود ، کمتر مطابق با داده های جامعه است و به همین خاطر ، برنامه ها تاکنون

<sup>۱</sup> علیخانی، ترجمه متقی نژاد، ۱۳۸۴، ص ۳۸





راه به جایی نبرده است. تولیدات محصولات کشاورزی به دلیل وابستگی کم به درآمد ارزی و تکنولوژی خارجی، لطمه‌ی زیادی نخواهد دید.

وضعیت زراعت و دام و طیور را از نظر ماشین آلات، بذر، نهال سموم دفع آفات و مکمل‌های غذایی مطلوب ارزیابی نمی‌شود. اکثر نیازهای این بخشها در داخل توسط بخش خصوصی و دولتی تولید میشود. در صورت تحریم روند صادرات اقلام غیرنفتی و حتی صنایع تکمیلی و تبدیلی و صنایع وابسته به کشاورزی مانند فرش دچار اختلال خواهد شد.

کارشناسان در پاسخ به این پرسش که در صورت تحریم کدام یک از بخشهای کشاورزی دچار چالش بیشتری می‌شود، نظرات متعدد و گاه مشابهی میدهند.<sup>۱</sup>

در کوتاه مدت بیشترین صدمه متوجه مصرف کنندگان شهری و در دراز مدت روستاییان می‌شود زیرا کمبود بنزین، سیستم حمل و نقل و انرژی را مختل کرده و هزینه‌های تولید افزایش می‌یابد. در عرصه‌ی کشاورزی نیز بیشترین زیان در بخش باغبانی و بیشترین مزیت در بخش زراعت خواهد بود؛ چرا که باغ مانند زراعت نیست که امسال یک محصول و سال بعد محصول دیگر کاشته شود و یک باغدار ممکن است ۱۰ تا ۳۰ سال برای باغ خود سرمایه‌گذاری کرده باشد. بخش باغبانی و به خصوص تولید و صادرات گل، لطمه زیادی در جریان تحریم خواهد دید. و همچنین در بخش دامپروری: بخش برزگی از نیازهای دامپروری مانند ذرت برای تأمین خوراک دام از خارج وارد می‌شود و اگر قیمت این نهاده‌ها گران شود و یا وارد شود قیمت شیر و گوشت افزایش خواهد یافت. همچنین بخشی از زراعت وابسته به واردات بذرهای اصلاح شده می‌باشد. اگر بذر مرغوب مانند ذرت و سیب زمینی در اختیار کشاورزان قرار نگیرد، در تولید این محصولات مشکل به وجود می‌آید. در صورت تحریم محصولات خشکبار به دلیل مازاد تولید بیشترین صدمه را می‌بیند. بعضی از محصولات باغی قابل تبدیل هستند و میتوان از طریق فراوری و تبدیل آنها به کمپوت و کنسرو جلوی ضرر آنها را از فساد پذیری گرفت اما در بحث خشکبار به خصوص پسته با تهدید جدی مواجه خواهیم شد زیرا افق سرمایه‌گذاری در خشکبار به خصوص پسته افق صادراتی است و ما بیشتر از مصرف داخل برای صادرات اقدام به کشت این محصول کرده‌ایم.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> موسویان، ۱۳۹۳، ص ۱۲۹

<sup>۲</sup> ظریف و سعید میرزائی، ۱۳۷۶، صص ۱۳۱ و ۱۳۴

## بند دوم: دوم. تبعات تحریم ها بر سیستم مالی و بانکی :

### الف) تحریم بانک مرکزی:

«کنوانسیون اروپایی ۱۹۷۲ مصونیت دولت» اعمال حاکمیت دولت را (مانند اموال دیپلماتیک و اموال نظامی) اعمالی تعریف کرده که دولت برای اقتدار حاکمیت خود انجام می دهد و بنا بر این گمرک، سیاست پولی و ... جزو اینگونه اعمال هستند و در این بین اعمال تجاری (تصدی گری) دولت به دقت احصا شده است. در ضمن کنوانسیون مصونیت دولت و اموال آن مصوب ۲۰۰۴ مجمع عمومی ملل متحد نیز اموال بانک مرکزی یا دیگر نهادهای مالی متعلق به دولت را به عنوان اموال خاص دولت تلقی کرده و به صراحت آن را در کنار اموال نظامی و دیپلماتیک به عنوان دسته های خاص اموال دولت محسوب کرده و اینگونه اموال را مصون تلقی کرده است. با در نظر گرفتن هر معیار برای تفکیک اعمال حاکمیتی دولت از اعمال تصدیگری آن، با قاطعیت می توان گفت «سیاست های پولی»، «مالی» و «اموال و حقوق، منافع و فعالیت های خاص» بانک مرکزی که در سرمایه گذاری و هدایت سرمایه نقل و انتقال پول، چاپ اسکناس تنظیم روابط بین بانک ها و ... تجلی می یابد، از جمله بارزترین فعالیت های «بانک مرکزی ایران» بوده است که به روشنی جزو اعمال حاکمیتی دولت ایران تلقی می شود. روشن است که اجرای تحریم گسترده علیه بانک مرکزی مانع اعمال حاکمیت و اقتدار سیاسی، اقتصادی کشور خواهد شد و در این باره، حتی کنوانسیون اروپایی مصونیت دولت نقض شده است.

### ب) تحریم سیستم مالی و بانکی

سیستم بانکی در ایران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان بازوی اقتصاد دولت به شمار رفته و می رود. امروز شاید بدون تردید بتوان اذعان کرد که قسمت عمده برنامه های توسعه اقتصادی کشور بویژه برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دولت متأثر از میزان توانمندی نظام بانکی است که متأسفانه در قطعنامه ۱۷۴۷ شورای امنیت این توانمندی مورد هدف و تهدید قرار گرفته و چنانچه تمهیدات هوشمندانه اتخاذ نشود، در کل اقتصاد کشور و زندگی عموم مردم موثر خواهد افتاد. تا پایان سال ۸۶ بانک های سپه و صادرات مورد تحریم عمومی شورای امنیت قرار گرفته و بانک های صادرات، ملت و ملی از سوی آمریکا تحریم شده است. تحریم از جانب آمریکا بر خلاف آنچه در نگاه نخست دیده می شود، ابعادی بسیار گسترده دارد، زیرا بانک های اروپایی طرف قرار داد با بانک های آمریکایی به کاهش ارتباط خود با آمریکا تمایل ندارند.





۱) از روز صدور قطعنامه و تحریم بین المللی بانک سپه با عنایت به مرکزیت بانک سپه لندن به عنوان پرداخت های حساب ذخیره ارزی کلیه اعتبارات گشایش اعتبار شده و فعال تحت تاثیر این تحریم قرار گرفته و فروشندگان از ارسال کالا به علت عدم امکان معامله اسناد و دریافت وجه خود داری می کنند. در نتیجه کلیه کالا های مهم سرمایه یی موضوع گشایش اعتبارات از محل حساب ذخیره ارزی بلا تکلیف مانده و بانک مرکزی نیز تاکنون موفق به تعیین بانک یا بانک های جایگزین برای پرداخت های باقیمانده اعتبارات نشده است. اثرات اقتصادی موضوع مذکور تا به حال و در همین مدت کوتاه جبران ناپذیر و زیانبار و در صورت تداوم غیر قابل پیش بینی است ( محاسبه کارشناسانه تعویق در برنامه زمانبندی طرح های سرمایه گذاری این موضوع را شفاف خواهد کرد.<sup>۱</sup>

۲) در صورت ادامه مورد فوق و توسعه دامنه تحریم از بانک های صادرات و سپه به دیگر بانک ها متأسفانه دامنه تاثیرات زیانبار اقتصادی این تحریم ها غیر قابل پیش بینی است.

۳) از صدور قطعنامه ۱۷۳۷ و پیرو آن قطعنامه ۱۷۷۴ ریسک اعتباری و پوشش بیمه یی صادرات کالا به ایران در حال افزایش است.

۴) در سال ۲۰۰۷ میلادی قیمت کالاهای سرمایه یی ( ماشین آلات و تجهیزات ) بین ۷ الی ۱۰ درصد افزایش یافت ( از سوی فروشندگان اروپایی )، در حالی که نرخ تورم در این کشورها بین یک الی سه درصد بود.

۵) اعتماد فروشندگان بین المللی نسبت به بانک های ایران با تحریم قدیمی ترین بانک ایرانی ( بانک سپه ) و بانک صادرات به شدت کاهش یافته است، به طوری که تاکید به عدم انجام مرادات با این بانک ها می کنند و اشاعه آن در سطح وسیع به کل نظام بانکی اثرات زیانباری خواهد داشت.<sup>۲</sup>

۶) هزاران نیروی متخصص ارزی بانک های تحت تحریم بین المللی و شعب خارجی آنها از این موضوع به شدت آسیب پذیر بوده و در صورت تداوم بلند مدت آن، اثرات آن برای بانک های مذکور غیر قابل جبران است. (۷) مهم ترین عاملی که کلیه بانک ها را یکی پس از دیگری تحت الشعاع قرار داده و از اثرات زیانبار اقتصادی و اجتماعی آن به دیگر بخش های اقتصادی نیز شمولیت پیدا می کند؛ امکان کاهش اعتماد عمومی به نظام بانکی در داخل کشور و خروج بیشتر سرمایه ها از کشور به دلیل افزایش بوروکراسی و عوامل بازدارنده مالی و بانکی در بخش تولید است.

<sup>۱</sup> موسویان، ۱۳۹۳، ص ۱۹۰

<sup>۲</sup> ممتاز، سال ۱۳۸۷، ص ۱۴۶



بند سوم: تبعات تحریم ها بر بخش صنعت:

## الف) اختلال در روند تامین مواد اولیه و لوازم یدکی و تجهیزات و دانش فنی و فناوری:

با توجه به مسائل سیاسی در حال حاضر گروهی از شرکت های خارجی اعم از خریدار و فروشنده اقدام به قطع روابط خود با شرکت های ایرانی کرده اند. این قطع ارتباط باعث توقف روند تامین برخی از مواد اولیه؛ ماشین آلات و قطعات یدکی و در نتیجه کاهش شدید صادرات شده است. همچنین به بهانه ارتباط برخی لوازم و تجهیزات با صنایع هسته ای یا نظامی، تهیه مایحتاج صنعت بسیار دشوار شده است. ضمناً فناوری و دانش فنی برخی صنایع دنیا نیز منتقل نمی شود.<sup>۱</sup>

## ب) وضع تحریم های بین المللی برای برخی از بانک های داخلی:

به دلیل وضع تحریم های بین المللی برای برخی از بانک های داخلی انجان عملیات بانکی به صورت ارزی محدود به معدودی از بانک های فعال داخلی شده که با توجه به قوانین دست و پاگیر سیستم بانکی کشور؛ باعث کاهش قابلیت ها و قدرت مانور تولید کنندگان داخلی در بازار سختگیر جهانی شده است.

پس از تحریم بانک های صادرات سپه و با توجه به اینکه قرار است بانک های ملی و ملت نیز تحریم رسمی شوند، در حال حاضر شاهد بروز مشکل برای بانک های ملی؛ ملت، صادرات و سپه هستیم. خلاصی از این مشکلات بعضاً از راه حل های موردی (مثلاً واردات یا صادرات از طریق کشور ثالث و با ایجاد ارتباطات خاص) استفاده می شود که به افزایش قیمت تمام شده مواد اولیه و محصول می انجامد.

## بخش چهارم. تبعات تحریم ها بر جذب سرمایه گذاری خارجی:

به رغم تصویب قانون جلب و حمایت از سرمایه گذاری خارجی در مجلس ششم و رفع ابهامات قانونی که باید جذب سرمایه های خارجی را شتاب بخشد، در سال ۸۴ و به ویژه در سال ۸۵ شاهد کاهش میزان **LOCO monitor** شدید سرمایه گذاری خارجی در کشورمان هستیم. موسسه بین المللی جذب سرمایه های خارجی ایران در سال های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ به ترتیب ۲۹۹۰، ۴۲۶۰، ۱۱۵۰، ۸۰۳ میلیون دلار اعلان کرده است و ظاهراً این رقم در سال ۲۰۰۷ و به دنبال

<sup>۱</sup> موسویان، ۱۳۹۳، ص ۴۱





صدور قطعنامه های سه گانه به کمتر از یکصد میلیون دلار رسیده است. در شرایطی که ایران مذاکره خود را با اروپا و امریکا آغاز کرده است همچنان تحریمهای اقتصادی علیه ایران بر مشکلات این کشور اضافه می کند. در میان بخشهای مختلف اقتصادی کشور بیشترین آسیب به بخش نفت و گاز وارد شد. بخشی که نبض اقتصاد ایران است و می تواند روی ساختار و عملکرد اقتصادی کشور تاثیر بسزایی به جای بگذارد.<sup>۱</sup>

### بند اول: تبعات تحریم ها بر بخش نفت و گاز

ایران اقتصادی وابسته به نفت دارد و هر ساله سهم بزرگی از درآمد این کشور از صادرات نفت و گاز بدست می آید. مطالعات نشان می دهد طرح تحریم اقتصادی غرب علیه ایران که در مراحل اولیه صنعت نفت را هدف قرار داده بود بیشترین آسیب را به نبض اقتصادی ایران وارد کرده است و ادامه این روند می تواند آسیبهای جبران ناپذیری ایجاد کند.

زیرا صنعت نفت و گاز ایران نیازمند سرمایه گذاریهای کلان خارجی و حضور شرکتهایی است که به تکنولوژیهای روز دنیا دسترسی داشته باشند. با اجرای طرح تحریم اقتصادی و خروج شرکتهای غربی از ایران هم استفاده ایران از فن آوریهای روز دنیا منتفی شد و هم ایران نتوانست به توسعه حوزه های نفت و گاز جدید بپردازد که در سالهای آینده جایگزین حوزه های فرسوده امروزی شود. طبق گزارش تحقیقاتی اخیر کنگره امریکا آسیب پذیری صنعت نفت و گاز ایران از تحریمهای اقتصادی علیه این کشور مساله ای بدیهی و اجتناب ناپذیر است. این در حالیست که دست اندرکاران اقتصادی ایران بر این باورند ایران با کمک قیمت بالای نفت می تواند با این مشکل مقابله کند همانطور که در سال گذشته به مدد این درآمد کلان توانست با کمترین مشکل تحریمها را از سر بگذارد.

آرانش اطلاعات انرژی درآمد حاصل از صادرات نفت ایران در نیمه اول سال ۲۰۰۸ میلادی را ۵۴ میلیارد دلار اعلام کرد در حالیکه در سال گذشته میلادی مجموع درآمدهای صادراتی ایران از فروش نفت تنها ۶۰ میلیارد دلار امریکا بود. بدون شک رشد درآمد صادراتی ایران ناشی از افزایش حجم تولید در این کشور نیست بلکه به دلیل رشد قیمت نفت است که از مرز ۷۰ دلار در سال گذشته به بیشتر از ۱۲۰ دلار رسید و حتی قیمت ۱۴۰ دلار را نیز تجربه کرد.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> ممتاز ۱۳۸۷، ص ۱۸۲

<sup>۲</sup> موسویان، ۱۳۹۳، ص ۱۱۷

مطالعات نشان می دهد در سال ۱۹۹۰ میلادی درآمد حاصل از صادرات نفت ایران به بازارهای جهانی معادل ۱۷ میلیارد دلار آمریکا بود و از آن زمان تا سال ۲۰۰۰ میلادی قیمت بین ۱۰ تا ۲۲ میلیارد دلار نوسان داشت. بعد از سال ۲۰۰۰ میلادی درآمد حاصل از صادرات نفت ایران دوباره به کمتر از ۲۰ میلیارد دلار رسید و سپس به یکباره رشد کرد.

مطالعات نشان می دهد در سال ۲۰۰۵ میلادی درآمد حاصل از صادرات نفت برای کشور ایران برابر با ۴۸ میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۶ میلادی به ۵۴ میلیارد دلار و در نهایت در سال گذشته میلادی به ۶۰ میلیارد دلار آمریکا رسید.

طی یک سال گذشته ایران روزانه حدود ۴ میلیون بشکه نفت تولید کرده است و طبق گزارشهای موجود توان افزایش تولید را ندارد زیرا حوزه های کنونی فرسوده هستند و سرمایه گذاری کافی برای توسعه حوزه های جدید انجام نشده است. ایران در نظر دارد سرمایه گذاریهای بیشتری در صنعت نفت و گاز انجام دهد و برای این سرمایه گذاریهای نیازمند کشورهای اروپایی و آمریکایی نیست. در ماههای اخیر ما اخباری مبنی بر جایگزین شدن کشورهای آسیایی به خصوص چین شنیدیم.

در همین زمان مذاکراتی بین ایران و روسیه انجام شد که احتمال انعقاد قرار دادهایی بین دو کشور را تقویت کرد. این دو کشور که تا اندازه زیادی می توانند جایگزینهای غرب برای ایران باشند در صدد هستند با سرمایه گذاری کلان و اجرای پروژه های بزرگ وارد ایران شوند تا به جای کشورهای اروپایی از پتانسیلهای ایران سود ببرند و از طرف دیگر ایران نیز می تواند از این همکاری های سود زیادی بدست آورد و از فشار تحریمهای اقتصادی غرب بکاهد.<sup>۱</sup>

شرکت ملی نفت این کشور در نظر دارد در سال ۱۳۸۷ هجری شمسی ۱۶ میلیارد دلار در اجرای پروژه های نفت و گاز ایران سرمایه گذاری کند. این در حالیست که طی سه سال گذشته ایران تنها ۱۲ میلیارد دلار در هر سال سرمایه گذاری کرد.

ایران در نظر دارد از ظرفیتهای داخلی به جای سرمایه های جهانی در توسعه صنعت نفت بهره برد. هم اکنون ایران امکان بهره گیری از سرمایه های خارجی را ندارد و به همین دلیل ظرفیتهای داخلی را جایگزین سرمایه های خارجی کرده است.



توان تولیدی ایران را ۴.۳ میلیون بشکه در روز است که تا دو سال آینده ظرفیت تولید نفت ایران به ۴.۷ میلیون بشکه در روز خواهد رسید. شایان ذکر است قبل از انقلاب اسلامی ایران روزانه بیشتر از ۶ میلیون بشکه نفت استخراج می کرد و هم اکنون مشکل ایران عدم دسترسی به تکنولوژیهای جدید است.

در سالهای گذشته ما شاهد خروج تدریجی شرکتهای غربی از ایران بودیم. در اثر تحریمهای اقتصادی شرکتهای امریکایی از کار در ایران محروم شدند و شرکتهای بزرگ اروپایی از قبیل شرکت بریتیش پترولیوم، رویال داچ شل و توتال هم که در این دوران در صحنه اقتصادی ایران باقی مانده بودند در شرایط اقتصادی و سیاسی حاکم بر جهان ادامه همکاری با ایران را بسیار پر ریسک خواندند. به هر حال با تمام این تفاسیل نیاز صنعت نفت و گاز ایران به سرمایه گذاری بیشتر از دیگر بخشها است. زیرا این صنعت نقشی کلیدی در اقتصاد ایران دارد و در سالهای انقلاب اسلامی و جنگ آسیبهای زیادی را متحمل شده است. از طرف دیگر حوزه های نفتی ایران در زمره قدیمی ترین حوزه های نفتی جهان است و استفاده از این حوزه ها سبب شد تا میزان نفت در چاهها تنزل یابد. در این شرایط بدون سرمایه گذاری و حفاری تازه نمی توان امیدوار بود ایران بتواند تولید خود را در سالهای آینده حفظ کند.

## بند دوم: تبعات تحریم بر تجارت و تولید

طبق طرح های تحریمی که برای اولین بار در سال ۲۰۰۶ میلادی توسط سازمان ملل متحد اجرا شد و در سال گذشته میلادی توسط امریکا این تحریمها تشدید شد دسترسی ایران به بازارهای بین المللی سرمایه کمتر شد و مانعی بزرگی برای بهره گیری این کشور از تکنولوژی های پیشرفته امریکا و اروپا ایجاد شد.

این تحریمها مشکلات زیادی را برای تجارت ایران ایجاد کرد. افزایش هزینه های تجاری ایران بسیاری از شرکتهای را از به خروج از پروژه های ایران وادار کرد. برای مثال در اثر تشدید تحریمهای اقتصادی پیدا کردن شرکتهای خصوصی برای تامین مالی پروژه های بزرگ و پیدا کردن شرکتهایی که قطعات مورد نیاز پروژه ها را به ایران صادر کنند بسیار مشکل بود و همین مساله سبب بیشتر شدن هزینه ها شد. مشاوران اقتصادی شرکت مهندسی و ساخت فراساحلی ایران پیش بینی می کنند تحریمها، هزینه های شرکت را بیشتر از ۳۰ درصد افزایش دهد. بدون شک این رشد در سال جاری

خواهد بود و در صورتیکه تحریمها ادامه داشته باشد در سال های آینده هزینه های بیشتر و بیشتر افزایش خواهد یافت<sup>۱</sup>.

### بند سوم: تحریم داروی ایران

امروزه جامعه جهانی به جایی رسیده است که اگر روابط بین اعضای این جامعه را بدون وجود حقوق بین الملل تصور کنیم، به هیچ وجه نخواهیم توانست که آینده ی یک چنین نظامی را ترسیم نماییم. آنچه دردنیای امروز و خصوصا پس از جنگ جهانی دوم در روابط بین الملل نمود یافته است، تلاش دولت هاست (چه به صورت انفرادی و چه جمعی) مبنی براین که برای اقدامات خود، توجیهاتی ارائه کنند که مستند به یک عرف مسلم و یا معاهده ای عام یا خاص باشد تا ناقض حقوق بین الملل و یا ناقض صلح شناخته نشوند. لکن حاکمیت کشورها در بسیاری از موارد، اجازه نمی دهد که یک کشور به طور تام و تمام مطیع قواعد و کنوانسیون های بین المللی شود. اما اصولی در این جامعه پذیرفته شده اند که هیچ دولتی نمی تواند آنها را نقض کند و الا طیف وسیعی از اقدامات جامعه بین المللی، ممکن است علیه آن دولت اعمال شود. از توصیه های مقامات ذیصلاح گرفته تا تحریم و اقدامات نظامی. ولی متأسفانه «سیاست بین الملل در مواردی، مانع عظیمی در راه پیشرفت و عدم اجرای مقررات بین المللی است» به گونه ای که تفسیر های ارائه شده از برخی فاکتورها در دوره های مختلف، بسیار جانب دارانه بوده است. مثلاً اگر اقداماتی خاص، توسط کشوری نظیر ویتنام صورت گیرد، ممکن است تهدید کننده ی صلح جهانی تلقی شود اما اگر ایالات متحده ی امریکا عامل آن اقدامات باشد، چنین طرز تلقی از آن نخواهد شد. کشور ما نیز به نظر می رسد در جامعه بین المللی حاضر، درگیر یک چنین کشمکش شده و متحمل تحریم های اقتصادی سنگینی است که بر سایر جوانب غیر اقتصادی تأثیرات بسزایی داشته است. من جمله در حوزه دارو و تجهیزات پزشکی که به طور غیرمستقیم از تحریم های اقتصادی، آسیب هایی را شاهد بوده است. در این یادداشت قصد داریم تا ضمن بررسی مشروعیت این تحریم ها به مطالعات حقوق بشری نیز در این حوزه اشاره ای داشته باشیم.

مهم ترین نکته در خصوص ایجاد این تحریم ها علیه ایران، مشروعیت آنها و همچنین قانونی بودنشان است. باید توجه داشت که شورای امنیت و اتحادیه اروپا و ایالات متحده ی امریکا در صورتی که



اقدام به تحریم یک کشور می نمایند، باید برای این اقدامات، توجیحات حقوقی داشته باشند تا مشروعیت یابند. لکن در خصوص ایران، به نظر می رسد این تحریم ها ریشه در تصمیمات حاکمیتی نهاد های مزبور دارد و نه استدلال هایی که تماما از منطق حقوقی نشات گرفته باشد. اما می توان این اقدامات را قانونی و الزام آور تلقی نمود. چراکه رکن صلاحیت دار و دارای حاکمیت، این تحریم ها را با توجه به ظرفیت مقررات بین المللی وضع کرده است. بنابراین شاید بتوان گفت: «این تحریم ها غیر مشروع هستند اما قانونی و الزام آورند». از طرفی موضوعات تحریم ها علیه ایران نیز جای بررسی دارد. در واقع امریکا و اتحادیه اروپا که مبادلات بانکی و بازرگانی ایران را با کشورهای عضو سازمان ملل، هدف قرار داده اند و آنطور که مشاهده می شود، قصد دارند صادرات نفت از ایران را نیز بطور چشمگیری مشمول تحریم قرار دهند، باعث شده ورود و خروج ارز به شدت تحت تاثیر قرار گرفته و مشکلاتی را در جهت تهیه مایحتاج ایران در بخش های ضروری پدید آورد. اما تعهدات حقوق بشری دولت ها همواره سر جای خود باقیست و آنها نمیتوانند بوسیله تحریم، حقوق بشر را نقض کنند. بخشی از حقوق شناخته شده ی بشر که در اعلامیه ها و معاهدات حقوق بشری که بسیاری از آنها الزام آور تلقی می شوند عبارت است از حق بر زندگی با استاندارد های مناسب، بهداشت و سلامت و ... اما تحریم کانال های تبادل ارزی با ایران سبب شده که تهیه دارو و تجهیزات پزشکی، شدیداً با مشکل مواجه شده و موجبات تشدید برخی بیماری ها و مسائل بهداشتی و ... را فراهم آورد. تا کنون هیچ تحریمی به طور مستقیم دارو و ملزومات پزشکی را هدف قرار نداده اما تحریم اقتصادی در اصل نباید به گونه ای اعمال شود که به حقوق بنیادین مردم (حقوق بشر) در کشور هدف، آسیب بزند. استدلالی که کشور های غربی در این مورد ارائه می کنند، این است که اگر تخصیص ارز و روش های خروج ارز و کانال های مبادله ای، صرفاً برای تهیه دارو و ملزومات پزشکی، تشخیص داده شود (مسیر پاک) به هیچ وجه در این حوزه محدودیتی وجود ندارد. کما اینکه در حال حاضر در کشور ما نیز تخصیص ارز به این حوزه صورت گرفته است. اما طرز تلقی دولت های غربی از این مبادلات و نگاه جانب دارانه ی ایشان که متأثر از دید حاکمیتی آنهاست مشکلاتی را پدیدار ساخته. مشکلاتی که ناشی از نقض غیر مستقیم حقوق بشر است. حقوقی که برای هر فرد ذاتاً وجود دارد و شاخصه متمدن بودن یک کشور رعایت این حقوق است. جالب اینجاست که شورای امنیت خود با رویکردی مواجه است که حقوق بشر و صلح جهانی را به یکدیگر پیوند می زند، گویی که هر کجا حقوق بین الملل رعایت نشود، تحدیدی برای صلح محسوب می شود. حق برخورداری از امکانات بهداشتی و درمانی



نیز به طور ضمنی در «اعلامیه جهانی حقوق بشر» و با تفصیل در «میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» مورد توجه قرار گرفته است. قطعنامه ای هم در سال ۱۹۶۸ توسط کنفرانس ملل متحد در خصوص حقوق بشر به تصویب رسید و اعلامیه جهانی حقوق بشر را برای اعضای سازمان الزام آور ساخت. با این تفاسیر همچنان دیدگاه منطق حقوقی صرف در استدلالات شورای امنیت و اتحادیه اروپا و ایالات متحده، دیده نمی شود. هرچند نمی توان انتظار داشت در جامعه ای که حاکمیت یک به یک دولت ها به رسمیت شناخته شده و واضع و موضوع حقوق بین الملل، آنها هستند استدلالات حقوقی تمام عملکرد های این جامعه ناهمگون را شامل شود اما جایی که تعهدات عام الشول حقوق بشری وجود دارد، انتظارات از ملل متمدن عضو این جامعه بیشتر می شود و نباید شاهد نقض حقوق بشر هرچند با دیدگاه های حاکمیتی و به ظاهر، قانونی و الزام آور باشیم.

### **بخش پنجم: رویکرد ایران در قبال تحریمها و انعقاد برجام**

#### **بند اول: مدیریت تحریم های اقتصادی در دولتهای مختلف**

تلاطم های بین المللی و نابسامانی ها در کشور، بحران اقتصادی خاصی را پدید می آورد و در کشوری مانند ایران، این نوسانات حتی در کوتاه مدت هم می تواند کشور را تحت تاثیر قرار دهد. کشور ایران به لحاظ شرایط سیاسی و دیپلماسی خارجی که دارد، همواره در معرض تحریم های اقتصادی است و این تحریم ها در برخی مقاطع زمانی و با اجماع برخی کشورها، علیه ایران شدت گرفته و در سال های اخیر تحت تاثیر قطعنامه های شورای امنیت جدی تر شده است. در این میان، مدیریت تحریم های اقتصادی یکی از مباحث حساس، کلیدی و زیربنایی است که برای مقابله با آن باید راهکارهایی در پیش گرفت که آثار تحریم ها را کاهش دهد یا به حداقل برساند. تحریم اقتصادی، اقدام برنامه ریزی شده یک یا چند دولت از طریق محدود کردن مناسبات اقتصادی اعم از روابط اقتصادی، تجاری و مالی برای اعمال فشار بر کشور هدف است که با مقاصد مختلف سیاسی صورت می گیرد و یکی از ابزارهای سرمایه داری برای مقابله با کشورهایی است که در چارچوب سیاست های آنها در نظام جهانی حرکت نمی کنند. کشور ما نیز از نهضت ملی شدن صنعت نفت تا پیروزی انقلاب و جنگ تحمیلی و دستیابی به فناوری صلح آمیز هسته ای همواره در مواقع متعددی مورد تحریم اقتصادی قرار گرفته است و امریکا بیش از هر کشور دیگری از ابزار تحریم برای برهم زدن وضع اقتصادی ایران و اعمال فشار استفاده کرده است ولی ملت ایران همواره با اتکا به خود و برآورده کردن احتیاجات خود با توسل به توانایی های داخلی نه تنها امریکا را به زانو درآورده اند، بلکه با استفاده از این فرصت و توفیق اجباری





به موفقیت‌های چشمگیری نیز دست یافته‌اند. بنابراین تحریم‌های اقتصادی مباحثی است که از سالیان سال در ایران وجود داشته است، اما در ماه‌های اخیر این تحریم‌ها کمی شدت یافته و نگرانی‌ها را در این خصوص افزایش داده است.<sup>۱</sup> دشمنان ما همواره برای ایجاد فشار به ایران در پی بهانه بوده‌اند و از همین روست که پرونده هسته‌ای ایران بابتی مناسب برای غربی‌ها باز کرده تا این بار با تمسک به آن، فشارهای خود را علیه ایران تشدید کنند و در این میان آنچه می‌تواند این حربه زنگ‌زده تحریم اقتصادی دولت آمریکا را با شکست مواجه کند، چگونگی مدیریت این تحریم‌های اقتصادی است. به طور طبیعی هر کشوری در کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت با چالش‌های متعددی روبه‌روست و یکی از دغدغه‌های برنامه‌ریزان حتی در میان کشورهای توسعه یافته، بحث مقابله با تحریم و بحران‌های اقتصادی است، بویژه این که چنین مسائلی در کالاهای اساسی و ضروری بخصوص در قوت مردم از حساسیت و کشش بسیار بالایی برخوردار است و کوچک‌ترین نابسامانی و آشفتگی می‌تواند به یک بحران اقتصادی تبدیل شود. در این شرایط، کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی دیدگاه‌های متفاوتی در بحث تحریم دارند. عده‌ای معتقدند تحریم‌ها علیه ایران تهدید نیست، بلکه فرصتی است که با استفاده از مدیریت تحریم می‌توان آن را به شرایط مناسب برای کشور تبدیل و با رشد و توسعه فناوری اقتصادی به توسعه کشور کمک کرد. برخی دیگر از صاحب‌نظران عقیده دارند رشد اقتصادی و فناوری باید در بستر آرام اقتصادی محقق شود و صنایع کشور بتدریج در مسیر توسعه و پیشرفت گام بردارند و در این میان و با توجه به شرایط کنونی، بسیاری از صنایع کشور که به واردات مواد اولیه از خارج وابسته‌اند، دچار زیان‌های اساسی و جدی خواهند شد. اما آنچه تمامی صاحب‌نظران با دیدگاه‌های متفاوت بر آن تاکید دارند، بحث مدیریت تحریم و استفاده از منابع و امکانات کشور است که می‌تواند تحریم را به فرصت تبدیل کند تا تحریم، تهدید نباشد.<sup>۲</sup>

### **بند دوم: تعارض تحریم‌ها با تعهدات بین‌المللی کشورهای تحریم‌کننده علیه ایران**

برخی دولت‌ها در موافقتنامه‌های دوجانبه مودت و آزادی تجارت یکدیگر را متعهد به برقراری تجارت آزاد کرده‌اند. موافقتنامه مودت و تجارت میان ایران و آمریکا یکی از بهترین نمونه‌هاست

<sup>۱</sup> ظریف و سعید میرزائی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۳

<sup>۲</sup> سایت اینترنتی فرارو، دوازدهم مرداد ۱۳۹۴، آدرس پایگاه اینترنتی؛ [www.fararu.com](http://www.fararu.com)



که پس از فراز و نشیب های بسیار در روابط ۲ کشور کماکان از سوی ۲ دولت معتبر قلمداد می شود. این معاهده طرفین را ملزم به برقراری تجارت آزاد میان اتباع یکدیگر کرده و تحریم های یکجانبه آمریکا علیه ایران نقض صریح معاهده است. به همین ترتیب کشورهای اروپایی موافقتنامه های متعددی در زمینه های مختلف روابط اقتصادی و مالی، بانکی و مالیاتی با ایران دارند که توسط نهادهای قانونی ۲ کشور به تصویب رسیده و لازم الرعایه است. موافقتنامه ۱۹۶۵ سرمایه گذاری متقابل، موافقتنامه ۲۰۰۳ سرمایه گذاری متقابل میان ایران و فرانسه، کنوانسیون سال ۲۰۰۴ مصونیت دولت ها و همچنین اساسنامه صندوق بین المللی پول و به طور مشخص موافقتنامه های «تشویق و حمایت متقابل از سرمایه گذاری متقابل» و «معافیت از اخذ مالیات مضاعف» از جمله موافقتنامه های دو جانبه رایج بین کشورها هستند که تحریم های اخیر وضع شده می تواند نقض یکجانبه این موافقتنامه ها تلقی شود.

هر چند در سال ۲۰۱۲ نرخ تورم در ایران دو برابر شده همچنین درآمد های نفتی ۳۰ درصد کاهش یافته صنعت خودروسازی که به واردات قطعات به غرب به شدت وابسته است آسیب دیده ارزش پول ملی ایران کاهش یافته و دست کم ۵۰۰ هزار نفر کار خود را از دست داده اند اما در حقیقت ایران چگونه توانسته خود را با این اوضاع وفق دهد؟

امارها نشان می دهد به رغم منفی بودن بسیاری از شاخص های اقتصادی رشد شاخص در بازار بورس تهران ادامه یافت و به بیش از ۱۵ درصد رسید. به علاوه به رغم ارزش ریال از اوایل سال ۲۰۱۲ بخش ساخت و ساز املاک رشد سریعی را تجربه کرد و نه تنها شاهد افزایش فعالیت بود بلکه رشد سریع قیمت ها را هم تجربه کرد.

همچنین به دلیل محدودیت اعمال شده در زمینه واردات واحدهای مختلف تولیدی در داخل خود را ترمیم کردند و موجب افزایش تولید و رشد فعالیت های اقتصادی شد.

به علاوه در اوایل سال ۲۰۱۳ ایران اقداماتی برای جلوگیری از افت استانداردهای زندگی طبقه کارگر آغاز کرد که شامل افزایش دستمزدها و توزیع کالا بزرگ مواد غذایی در بین اقشار فقیر جامعه شد. همچنین هرچند نرخ بیکاری در کشور افزایش یافته و در حال حاضر بر بیش از ۴ میلیون نفر تاثیر گذاشته اما این رقم بالا هنوز موجب نازاری های اجتماعی نشده است. زیرا ایران مزایای بیکاری را در یک دوره ۵۰ ماهه که طولانی ترین دوره اعطای مزایای بیکاری در جهان است پرداخت کرده است. در اوایل سال ۲۰۱۳ دو سال بعد از گذشت تحریم های شدید ایران همچنان ارز و ذخایر طلا به





ارزش ۷۹ میلیارد دلار در اختیار دارد در حالی که تراز پرداخت های ایران افزایش یافته است. بنابراین حتی اگر تحریم ها باز هم تشدید شوند و ایران ۷۰ درصد درآمدهای نفتی خود را از دست دهد این کشور باز هم قادر خواهد بود نه تنها هزینه واردات سالانه اش به مبلغ ۵۰ تا ۶۰ میلیارد دلار را تامین کند بلکه همچنین میتواند از فزونی تراز تجاری و حساب فعلی خود در تراز پرداخت ها بهره ببرد. حال به توجه به واقعیت های موجود باید گفت ایران خود را با تحریم ها وفق داده و حتی اگر تحریم ها موجب آسیب جدی اقتصاد ایران در کوتاه مدت و دراز مدت شود در عمل وجود ذخایر ارزی و طلایی گسترده و فزونی تراز پرداخت ها به این کشور امکان خواهد داد تا سیاست هسته ای خود را بدون آسیب جدی اقتصادی و اجتماعی ادامه دهد.<sup>۱</sup>

### بند سوم: دیپلماسی دولتها در مقابله با تحریم ها

ما باید سعی کنیم از طریق تعامل و دیپلماسی فعال بر مبنای تعامل و گفتگو از صدور قطعنامه ها که متضمن تحریم هایی برای کشورمان است جلوگیری کنیم و در وهله بعد دستگاه دیپلماسی خارجی مان از طریق رایزنی ها و گفتگوهای موثر با سران کشورها در همه جای دنیا به آنها تفهیم کنند که صدور این قطعنامه ها یک اقدام ظالمانه در حق ایران است.

علاوه بر آن ما باید دارایی هایمان را در هر جای دنیا در نزد بانک ها ایمن سازی کنیم و از آسیبی که ممکن است به آنها وارد شود برایش چاره اندیشی کنیم.

خلاصه این که برای دارایی هایمان مصونیت ایجاد کنیم زیرا ممکن است در شرایطی آنها متعرض دارایی های ما در خارج از کشور شوند.

ما باید با استفاده از ظرفیت های مجامع بین المللی نیز از آنها بخواهیم حقوق ما را به رسمیت بشناسند و بر کشورهای زورگو و کشورهایی که ما را تحت فشار غیرقانونی قرار دادند، فشار بیاورند. در این خصوص نمایندگان ما در مجامع و محافل بین المللی می توانند موثر باشند. در داخل کشور هم باید افکار عمومی را به طور مستمر در جریان اتفاقات رخ داده قرار دهیم تا آنها در این موارد از مسوولان خود حمایت و برای خروج از این مشکل چاره اندیشی کنند.<sup>۲</sup>

با این که این تحریم ها اقتصادی است، ولی راه حل سیاسی دارد. بنابراین ما باید سعی کنیم پیمان های منطقه ای خود را در ارتباط با کاهش فشار اقتصادی فعال کنیم و راه های مناسبی را برای تامین نیازهای

<sup>۱</sup>. به گزارش پایگاه اینترنتی فری پرس کانادا. و نقل شده از روزنامه اطلاعات مورخ ۱۰ شهریور ۱۳۹۲ شماره ۲۵۶۷۹

<sup>۲</sup> کلاوسون، ترجمه محمدی نجم، ۱۳۷۶، ص ۱۹۴

حیاتی خود که باید از خارج کشور تامین شود، جستجو کنیم که می‌توان آن را در قالب پیمان‌های منطقه‌ای فعال کرد.

در واقع پیمان‌های منطقه‌ای یکی از رهکارهای مبارزه با آثار تحریم است تا از این طریق بر بازارهای آنها تاثیرگذار باشیم؛ به نحوی که شرکت‌ها و کمپانی‌های اقتصادی در کشورهایی که ما را مورد تحریم قرار دادند، عامل فشار بر آنها باشد نه عامل تهدید برای ما.

تحریم‌ها عام بوده و بسیاری از کالاهای اساسی را دربر می‌گیرد و چون این تحریم‌ها اثرات منفی روی اقتصاد ایران می‌گذارد، باید سعی کنیم با خودکفایی، اثر آنها را کاهش دهیم.

به عنوان مثال در کالاهایی مثل برنج و گندم، خودکفایی می‌تواند اثر این تحریم‌ها را کم کند؛ اما در خصوص محصولات و کالاهای صنعتی نیازمند یک برنامه استراتژیک بلندمدت هستیم. متأسفانه سیاست خارجی ما تاکنون به گونه‌ای بوده است که دوستان ما، دوستان واقعی نبودند؛ یعنی در واقع متحدان استراتژیک برای ما نبودند و در شورای امنیت علیه ما رای دادند، بنابراین برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی و مدیریت آن باید در سیاست خارجی خود تجدیدنظر کنیم.<sup>۱</sup>

راه دیگر مدیریت تحریم این است که مردم واقعیت را بدانند و کمک کنند. یکی دیگر از راهکارهای مدیریت تحریم و عبور از آن را در حمایت از کالاهای داخلی و تولیدات داخلی است نمونه آن را در ۸ سال دفاع مقدس که در آن موقع هم به نوعی در تحریم بودیم، تجربه کردیم. ما با حمایت از تولیدات داخلی مثل خرید تضمینی گندم می‌توانیم در سایر کالاها نیز به خودکفایی برسیم. در خصوص کالاهای صنعتی مثل قطعات خودرو و غیره نیز که ایران بعضاً واردکننده برخی قطعات است، باید به فکر خودکفایی باشیم و راهکارهای مربوط را پیگیری کنیم. با توجه به این که مهمترین منبع درآمدی کشور ما صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی است و اینها در سیستم بانکی و بین‌المللی جذب می‌شوند و خیلی از پرداخت‌ها و هزینه‌های ما از طریق بانک‌های بین‌المللی پرداخت می‌شود، اگر این تحریم‌ها دامنه‌اش به تمام بانک‌های معتبر کشور بکشد، مشکلاتی را برای ما به وجود می‌آورد، بنابراین در چنین شرایطی ما باید با کشورهایی که دارای سیستم بانکی فرعی هستند، مثل سوئیس یک مقداری تعامل برقرار کنیم و پای بانک‌های بزرگ بین‌المللی را به ایران باز کنیم و در حقیقت اجازه دهیم آنها در ایران بانک ایجاد کنند که خود این می‌تواند در مبادلات ارزی به ما کمک کند.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> موسویان، ۱۳۹۳، ص ۱۷۲

<sup>۲</sup> علیخانی، ترجمه متقی نژاد، ۱۳۸۴، ص ۵۱





راه حل دوم این که ما باید جلوی تحریم‌های بانکی را تا آنجا که می‌توانیم سد کنیم؛ زیرا ما هر کاری که بخواهیم بکنیم، هزینه مبادله بالا می‌رود.

فرض کنید شرکت‌های ما ماشین‌آلاتی را خریداری کردند، ولی به دلیل مشکل اعتباری که بانک‌ها نمی‌پذیرند، مدت‌ها در گمرک می‌ماند. ما باید سعی کنیم این مشکلات به وجود نیاید. هرچه دامنه و محدوده تحریم بانک‌ها زیاده‌تر شود، آسیب‌پذیری صنایع و اقتصاد ما بیشتر می‌شود. بهترین کار این است که مدیریت سیاسی ما به نحوی تغییر کند که این تحریم‌ها پیش نیاید و اگر هم پیش می‌آید، کمترین آسیب را بزند و دستگاه دیپلماسی ما هم باید با فعالیت خود جلوی تحریم‌ها را بگیرد؛ زیرا در صورت وقوع آن راهکار عملی بسیار مشکل و پرهزینه می‌شود. برای مقابله با تحریم‌ها باید برنامه‌ریزی صحیح داشت. برای این که بتوانیم تحریم‌های اقتصادی را در کشور مدیریت کنیم، باید چند باور و چند برنامه داشته باشیم. باور اول این که قبول کنیم امریکا در رابطه با دشمنی با ایران برنامه دارد و این برنامه در درازمدت، کوتاه‌مدت و میان‌مدت با هم متفاوت است، اما یک نتیجه و خروجی دارد و آن این که دنیا را مقابل ما قرار دهد. دومین باور این که این تحریم‌ها با تحریم‌های ابتدایی متفاوت است. مثلاً ما تحریم امریکا را از ابتدا داشتیم، اما تحریم جهانی نبود و قطعنامه‌ای نداشتیم که کشورها را مجاب کنند که نمی‌توانید کالاهای خود را به ایران بفروشید و اگر بفروشید، تحریم می‌شوید.

سومین باور این است که ما بپذیریم نگاه مردم به اقتصاد با ۱۰، ۲۰ سال پیش خیلی فرق می‌کند؛ زیرا احزاب در کشور ما به گونه‌ای عمل کردند که نیازهای اقتصادی و احساس فقر را تشدید می‌کند. بنابراین در شرایط فعلی اگر اقتصاد حرف اول زندگی مردم نباشد. مهم‌ترین موضوع زندگی آنهاست. بر اساس راهکارهای مقابله با تحریم اقتصادی و چگونگی مدیریت آن، ما باید دوستان دیپلماتیک خود را افزایش دهیم و این کار فقط در حد یک نامه و سفر و سلام‌علیک مقدور نیست، بلکه باید در قالب قراردادها مطرح شود و در وهله دوم نیز باید تدبیری که باید آخر کار بکنیم، اول و وسط کار بکنیم، یعنی خودمان را در موضعی نیندازیم که هزینه‌ها را داده باشیم، بلکه با تدبیری که اتخاذ می‌کنیم پیش از این که هزینه‌ها زیاد شود، جلوی آن را بگیریم. درباره تحریم کالاهای اقتصادی هم یا ما واردکننده هستیم یا صادرکننده، پس به بازار نیازمندیم. در این صورت هم نمی‌توانیم بدون توجه به روابط سیاسی دیپلماتیک مسائل اقتصادی‌مان را حل کنیم. ما باید درباره دشمن، شناخت شرایط فعلی

دنیا در خصوص اقتصاد، شرایط فعلی اقتصاد در کشور، وابستگی و پیوستگی اقتصادی، تدبیر برای برون‌رفت از راه دیپلماتیک و سیاسی در وهله اول وزارت خارجه‌مان را تقویت و در این بخش تحولی اساسی و همه‌جانبه ایجاد کنیم. ما در دستگاه دیپلماسی به آدمهایی نیازمندیم که تدبیر، دانش و اطلاعات و به رهبری و انقلاب پیوستگی داشته باشند و مساله را با عقل حل کنند. باید شرایط را اولویت‌بندی کنیم و میان صنایع کوچک و بزرگ همچنین صناعی که وابستگی ما را به واردات زیاد می‌کند یا نیاز به سرمایه‌گذاری سنگین دارند، تفاوت قائل شویم و با توجه به انواع نگاه‌ها از باب مکان‌یابی طرح‌ها، اجرای طرح‌ها را اولویت‌بندی کنیم و دولت راحت‌ترین کاری که می‌تواند در این زمینه بکند، این است که خودش را دولت رفاه کند و خود را از شر خیلی از شرکت‌ها راحت کند و آن را به بخش خصوصی بسپارد و هزاران میلیارد تومان پول خود را که درگیر این شرکت‌هاست، آزاد و برای زندگی مردم هزینه کند.<sup>۱</sup>

#### بند چهارم: کلیت تاثیر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران

برخی از پیامدهای کلی تحریم‌ها بر اقتصاد ایران را می‌توان به صورت زیر دسته‌بندی کرد؛

۱. تحریم‌ها چه به صورت یکجانبه و چه چندجانبه از زمان انقلاب اسلامی ایران، هسته اصلی سیاست ایالات متحده در قبال ایران بوده‌اند. باراک اوباما، رئیس‌جمهور کنونی آمریکا، زمانی که برای نخستین بار وارد کاخ سفید شد، تاکید کرد قصد دارد سیاست تعامل با ایران را دنبال کند. اما در دور نخست ریاست جمهوری وی، سخت‌ترین تحریم‌های تاریخ آمریکا علیه ایران اعمال شد.

۲. استراتژی تحریم رشد اقتصادی و صنعتی ایران را کاهش داده، سرمایه‌گذاری‌های خارجی را محدود کرده، ریال را ضعیف کرده، نرخ تورم را چندبرابر کرده

و تولید و صادرات نفت و گاز را کاهش داده است. محمود بهمنی، رئیس‌بانک مرکزی جمهوری اسلامی، در توصیف اثر تحریم‌ها می‌گوید که این تحریم‌ها چیزی کمتر از جنگ نظامی ندارند. حتی محمود احمدی‌نژاد، که زمانی تحریم‌ها را رفتاری تمسخرآمیز توصیف کرده بود، اکنون می‌گوید تحریم‌ها اقتصاد ایران را تحت تاثیر قرار داده است.

۳. به این ترتیب اگر هدف تحریم‌ها، صدمه زدن به مردم ایران بوده، این هدف محقق شده است. اما در صورتی که تحریم‌ها به منظور راضی کردن تهران به دست کشیدن از برنامه‌های هسته‌ای اش،

<sup>۱</sup> ممتاز، ۱۳۸۷، ص ۱۸۸





طراحی شده باشند، آنها شکست خورده و در واقع به فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی نیز شتاب بخشیده اند. این نتیجه ای است که من پیش بینی کرده بودم. ایرانیان با توجه به طرز تفکر، فرهنگ و عقاید مذهبی، مخالف تسلیم شدن هستند و به همین دلیل برنامه های هسته ای خود را توسعه دادند.<sup>۱</sup>

۴. همانگونه که گزارش های آژانس بین المللی انرژی اتمی نشان می دهد، پیش از اعمال تحریم ها ایران یک تاسیسات غنی سازی، یک تاسیسات پالوت با ۱۶۴ سانتریفوژ با درجه غنی سازی ۳.۵ درصد، یک نسل از سانتریفوژها و حداکثر ۱۰۰ کیلوگرم ذخیره اورانیوم غنی شده داشت. اما امروز ایران دو تاسیسات غنی سازی با ۱۲ هزار سانتریفوژ در اختیار دارد و می تواند غنی سازی را با خلوص ۲۰ درصد انجام داده و از سانتریفوژهای نسل جدید استفاده کند که تا کنون ذخیره ای ۸ هزار کیلوگرمی از اورانیوم غنی شده در اختیار ایران قرار داده است.

۵. پیشرفت هسته ای ایران در زمان اعمال تحریم ها جای تردیدی باقی نمی گذارد که زور و اجبار غرب، عامل مهمی در سوق دادن جمهوری اسلامی به سمت خود کفایی در تکنولوژی هسته ای بوده است. پدیده مشابهی در جریان جنگ ایران و عراق رخ داد. پیش از این درگیری، ایران نمی توانست حتی یک گلوله تولید کند و به طور کامل به تسلیحات غربی وابسته بود. اما در دوران جنگ و پس از آن، با وجود افزایش تحریم ها، ایران صنعت دفاعی عظیمی را بنیانگذاری کرد و در تولید سلاح به خود کفایی رسید. ایران هم اکنون موشک های دور برد ساخته و حتی یک ماهواره نیز به فضا فرستاده است

۶. ایالات متحده نیز در خلال سیاست تحریم ها، نفوذ شرق در ایران را زمینه ساز شد. از سال ۲۰۰۱، صادرات چین به ایران تقریباً ۶ برابر شد. هرچند اروپا در سال های ۱۹۹۰، حدود ۵۰ درصد از اقتصاد ایران را تشکیل می داد، به واسطه تحریم ها، این جایگاه خود را از دست داد. به بیان دیگر، غرب خود را علیه نفوذ در ایران تحریم کرد و راه را برای ورود رقبایی مانند چین، روسیه و هند باز کرد. در واقع تحریم ها، جهت تجارت بین المللی ایران را از غرب به شرق تغییر داد.<sup>۲</sup>

۷. این در حالی است که ایرانیان در جمع ملیت های دیگر در منطقه، کمترین خصومت را با ایالات متحده دارند. مقامات آمریکایی می دانند که تحریم ها مردم عادی را تحت تاثیر قرار داده و به این ترتیب ریسک نشان دادن بذر نفرتی دراز مدت در دل ایرانیان علیه آمریکا، وجود دارد. نظرسنجی گالوپ

<sup>۱</sup> فرخ سیری، ۱۳۸۷، ص ۱۰۴

<sup>۲</sup> ممتاز و رنجریان، ۱۳۷۶، ص ۷۰

نشان می دهد که ایرانیان پیامد تحریم ها را حس کرده اند و به جای سرزنش رهبران خود، ایالات متحده را در این زمینه مقصر می دانند .

۸. تحریم ها طبقه متوسط در جامعه را از بین برده و بخش خصوصی را به نفع بخش دولتی به حاشیه رانده است. علاوه بر این، تحریم ها تجارت را از سیستم بانکداری رسمی خارج و به سمت شبکه های زیرزمینی متمایل کرده است. در نتیجه تحریم ها، غرب ایران را ناگزیر کرده تا از اقتصاد بازاری فاصله بگیرد.

۹. اکنون واضح است که ایالات متحده در استفاده از تحریم ها برای برانگیختن همکاری تهران، موفق نبوده است. سیاست تحریم غرب به رادیکال تر شدن ایران منجر شده است. رضا نقدی، فرمانده بسیج، مخالف آن است که ایران در دور بعدی مذاکرات هسته ای، پیشنهاد لغو تحریم ها را ارائه دهد. وی بر این باور است که تحریم ها پتانسیل نهفته ایران را آزاد کرده و تحریم نفتی موجب شده که وابستگی ایران به فروش نفت از بین برود.

۱۰. توسعه تکنولوژی هسته ای یک مساله افتخار و غرور ملی برای ایرانیان است. اکثریت ایرانیان از برنامه های هسته ای دفاع می کنند. نظرسنجی گالوپ در دسامبر ۲۰۱۲، نشان داد که ۶۳ درصد ایرانیان اعتقاد دارند با وجود تحریم ها، برنامه های هسته ای باید پیش برود. در این بین تنها ۱۷ درصد مخالف بوده اند.

۱۱. فشار و تحریم ها، تردید ها در مورد منافع ایران در عضویت در پیمان منع اشاعه هسته ای را افزایش داده است. محمد علی جعفری، فرمانده سپاه، اخیرا در یکی از کنفرانس های خبری به صراحت از احتمال خروج ایران از آن پی تی، سخن گفته است.

۱۲. همچنین تحریم ها موجب شده اند که جمهوری اسلامی اینگونه نتیجه گیری کند، آمریکا در سیاست تعامل با تهران، جدی نیست و در مقابل سیاست سنتی خود مبتنی بر تغییر رژیم را همچنان دنبال می کند. مقام معظم رهبری در سخنرانی خود تاکید کرده اند که هر زمان که به راه حل نزدیک می شویم، آمریکایی ها مشکلی ایجاد می کنند تا از دستیابی به راه حل جلوگیری کنند. ایشان ادامه دادند، به گمان من هدف آنها غیر قابل حل نگاهداشتن این موضوع است تا بهانه ای برای افزایش فشار بر ایران داشته باشند.



بنا به گفته بسیاری از تحلیلگران ۵۲ درصد صادر کنندگان، فعالیت خود را در همه بازارهایی که تحریم‌های اقتصادی را علیه ایران اعمال کردند متوقف کردند، اما ۳۷ درصد از آنها نیز متوجه بازارهای سرمایه‌گذاری جدید شدند.

تحریم‌های اقتصادی علیه ایران بر سر پرونده هسته‌ای اش چیزی است که غربی‌ها در حال حاضر به عنوان ابزاری برای فشار به ایران از آن استفاده می‌کنند. اما هنوز برای بسیاری این سوال مطرح است که آیا این تحریم‌ها توانسته است تاثیرگذار باشد یا خیر؟ ما شاهدیم که از ارزش واحد پول ملی این کشور کاسته شده و هزینه‌های اقتصادی آن افزایش یافته است اما هم‌زمان ایرانی‌ها توانسته‌اند اقتصاد خود را به سمت اقتصادی ریاضتی هدایت کنند و بازاری جدید را برای تولیدات خود بیابند که این مساله سبب شده تا هزینه‌هایی که انتظار می‌رفت از قبل تحریم‌ها متوجه ایران شود، به اندازه پیش‌بینی‌ها نباشد.<sup>۱</sup>

انتخاب‌هایی که ایران در برابر این تحریم‌ها دارد، عبارتند از: یکی این که همه صادرات خود را به کشورهای جهان متوقف کند و حالتی از رکود را بر بازار محلی خود اعمال کند و دیگری این که با حجمی کمتر بازار تازه‌ای را برای محصولات خود بیابد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ایران گزینه دوم را در حال حاضر انتخاب کرده است

روشن است که در پی اعمال تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل و بعد از آن اتحادیه اروپا و ایالات متحده آمریکا و استرالیا و کانادا علیه ایران، صادرات نفتی این کشور کاهش یافته است اما صادرات محصولات غیر نفتی روند عکس داشته است. یکی از دلایل آن ابتکارهایی بود که ایران توانست در تعاملاتش با دیگر کشورها به کار بندد. مثلاً ایران توانست در برابر صادرات کالا به کشورهای دیگر طلا وارد کند که این مراد به ایران کمک کرد تا از حجم هزینه‌های تحمیلی بر اقتصاد خود که غربی‌ها انتظار آن را داشتند، کاسته شود. برای تایید این ادعا می‌توان به گزارش گمرکات ایران مراجعه کرد که نشان می‌دهد صادرات ایران از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۱ رشدی خیره‌کننده داشته است. در بررسی گزارش‌های گمرکات ایران می‌توان این نکته را نیز برداشت کرد که پس از این که ایرانی‌ها دیدند نمی‌توانند به مقاصد سابق خود کالا صادر کنند به سراغ بازارهای جدید رفتند. به این ترتیب به روشنی می‌بینیم که پس از اعمال تحریم‌ها علیه ایران صادرات غیر نفتی این کشور به شدت افزایش





یافت. این مساله سبب شده است تا از کارآمدی تحریم ها کاسته شود و ایرانی ها به دنبال منابع تامین کننده ارزی تازه ای بروند. بنا به گفته بسیاری از تحلیلگران ۵۲ درصد صادر کنندگان، فعالیت خود را در همه بازارهایی که تحریم های اقتصادی را علیه ایران اعمال کردند، متوقف کردند، اما ۳۷ درصد از آنها نیز متوجه بازارهای سرمایه گذاری جدید شدند. بازارهایی که تحریم های اعمال شده علیه ایران را رعایت نمی کنند. به عبارت دیگر تحریم ها باعث شدند تا ایرانی ها مسیر تجاری خود را عوض کنند و بازار تجاری با بازارهای جدید بیابند. تجار ایرانی در بازارهای جدید پذیرفتند که از حجم فعالیت اقتصادی خود بکاهند و در مقابل به فکر تصاحب بازارهای تازه بیفتند. آنها همچنین به جای صادرات تک محصولی به صادرات محصولاتی پرداختند که در میدان رقابت حرفی برای گفتن داشته باشد و بازاریابی آن آسان تر باشد. در عین حال به این فکر افتادند که کالاهای متجانس و نه متمایز را در بازارهای جدید عرضه کنند. از سوی دیگر برای کاستن از هزینه های صادرات از بعد جغرافیایی دایره فعالیت خود کاستند و به فکر کشورهای نزدیک و همسایه افتادند. این مساله باعث شده است تا حجم گسترده تری از سرمایه گذاری خارجی را از همین کشورها به سمت خود هدایت کنند و برای سرمایه گذاران جدید نیز تعرفه های گمرکی و محدودیت های وارداتی کمتری در نظر بگیرند.

بالاخره تحریم ها تعلیق شد؛ اکنون چه اتفاقی در ایران می افتد؟ بهترین توصیف از اقتصاد ایران می تواند طیفی از رنگ خاکستری یا تا اندازه ای مابوس کننده باشد. اوضاع اقتصادی ایران که از نظر شفافیت تقریباً خاکستری روش بود، به علت تحریم ها خاکستری تیره شده است. با لغو تحریم ها، باید کم کم شاهد کاهش مشکلات اقتصادی باشیم. امضای توافق هسته ای با قدرت های جهان باعث امیدواری شده است و احتمالاً فصل جدیدی را در روابط تجاری ایجاد می کند. براساس مفاد توافق موقتی که با اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل و آلمان یا همان به اصطلاح ۵+۱ به امضاء رسیده است، دولت میانه روی حسن روحانی به ازای لغو بخشی از تحریم های اقتصادی، به مدت شش ماه فعالیت های هسته ای کشور را محدود خواهد کرد. بخش خصوصی ایران اولین بخشی بود که از بابت این تحریم ها لطمه دید و آخرین بخشی خواهد بود که از لغو بخشی از این تحریم ها سود می برد. تحلیل گران ایران می گویند از آنجا که کوبنده ترین تحریم ها در زمینه صادرات نفت خام و بانکداری به قوت خود باقی است، کاهش تحریم ها چندان زیاد نیست، اما با این حال، تاثیر آن در روحیه مردم ایران و در حوزه اقتصادی را نباید نادیده گرفت. سال گذشته، نرخ تورم ۳۹/۳ درصد بود و تولید ناخالص داخلی کشور ۵/۸ درصد کاهش یافت. بیکاری در میان قشر جوان حدود ۲۴ درصد





است. سال ۱۳۹۶ کاهش تحریم‌ها احتمالاً برای اقتصاد ایران ۱۵ میلیارد دلار سود آوری دارد. یعنی ۳ میلیارد دلار در حوزه خودروسازی، صنایع هوایی، تجهیزات پزشکی و داروسازی و ۴،۵ میلیارد دلار در زمینه صادرات محصولات پتروشیمی. ضمن اینکه اگر تحریم‌ها همچنان به قوت خود باقی مانده بود، بیش از ۷ میلیارد دلار درآمد حاصل از صادرات نفت که مسدود شده بود و برخی دیگر از ذخایر مالی بلوکه شده ایران همچنان مسدود باقی می‌ماند. پیش‌بینی می‌شود که بخش پتروشیمی از کاهش تحریم‌ها منتفع شود، چون این بخش برای افزایش تولیدات و صادرات خود آمادگی دارد. ایران بیش از ۱۵ میلیارد دلار فرآورده‌های پتروشیمی تولید کرد که دو سال پیش بیشتر آن صادر شد. اما به علت تحریم‌ها این مبلغ در سال ۱۳۹۳ به کمتر از ۱۰ میلیارد دلار کاهش یافت. مقامات ایران انتظار دارند که صنعت هواپیمایی نیز تقریباً به سرعت از کاهش تحریم‌ها سود برد. ناوگان هوایی مشکل از ۲۴۳ فروند هواپیما است که هواپیماهای بوئینگ آن بیش از سه دهه پیش خریداری شده‌اند. حدود ۱۰۰ فروند آن به علت نداشتن لوازم یدکی زمین‌گیر شده است. در ژانویه ۲۰۱۱ میلادی، بر اثر سقوط بوئینگ ۷۲۷، حداقل ۷۰ نفر کشته شدند.<sup>۱</sup>

خودروسازی ایران، که بزرگترین بخش غیرنفتی کشور است، از جمله بخش‌هایی است که به زمان بیشتری نیاز دارد تا از کاهش تحریم‌ها سود برد، اگرچه تنها علت مشکلات صنعتی کشور تحریم‌ها نیست. با توجه به ارزیابی تحلیلگران مبنی بر این که این صنعت در مجموع نیازمند حداقل ۲ میلیارد دلار اعتبار تضمینی است، شرکت‌های خودرو سازی همچون ایران خودرو و سایپا شدیداً بدهکارند. تحلیل‌گران امیدوارند رفع تحریم‌ها کمک کند بازار خودرو دوباره روی پای خود بایستد و این خودروسازان غربی، به ویژه تولیدکنندگان فرانسوی مثل کارخانه پژو را ترغیب کند تا وضعیت سابق خود را دوباره به دست آورند.<sup>۲</sup> مسئولان ایران به تاجر گفته‌اند که هفت بانک اروپایی از جمله «کامرز بانک» و «سوسیته ژنرال» برای انتقال ۴/۲ میلیارد دلار از مبالغ مسدود شده ایران در نظر گرفته شده‌اند، اما همچنان نوعی معما در مورد این که چه بانک‌های ایرانی می‌توانند این پول را دریافت کنند باقی است، زیرا اکثر این بانک‌ها گرفتار تحریم‌های بانکی گسترده‌ای هستند که هنوز پابرجاست.

<sup>۱</sup> موسویان، ۱۳۹۳، ص ۱۸۰

<sup>۲</sup> الاخبار، تحریریه دیپلماسی ایرانی، آدرس پایگاه اینترنتی؛ [www.irdiplomacy.ir](http://www.irdiplomacy.ir)

## نتیجه گیری:

شورای امنیت سازمان ملل متحد به عنوان یکی از تابعان حقوق بین الملل ملزم به رعایت قواعد و مقررات بین المللی است و حقوق بین الملل مبنای هنجاری منشور محسوب می شود بنابراین شورای امنیت در ایفای وظایف خود در چارچوب فصل هفتم منشور از جمله در اعمال تحریم های اقتصادی با محدودیتهایی مواجه میباشد. محدودیتهای حقوقی شورای امنیت در اعمال تحریم های اقتصادی شامل حقوق بین الملل، مقررات خاص منشور و قواعد حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه می باشد. الزام شورای امنیت به رعایت مقررات منشور ناشی از ماده ۲۵ می باشد که تصریح می نماید اعضای ملل متحد موافقت می نمایند که تصمیمات شورای امنیت را به موجب این منشور قبول و اجرا نمایند. مفهوم مخالف این ماده به سادگی این معنی را میرساند که چنانچه قطعنامه های شورای امنیت متضمن عدول از منشور و یا نادیده گرفتن آن باشد قابل قبول نبوده و لازم الاجرا محسوب نمیگردند. پایبندی شورای امنیت به اصول حقوق بین الملل عام در اعمال تحریمهای اقتصادی مستلزم رعایت سه اصل انسانیت و رعایت موازین انسانی، ضرورت و تناسب می باشد. همچنین شورای امنیت ملزم به رعایت قواعد آمره در زمینه اعمال تحریمهای اقتصادی می باشد این دسته از قواعد در جایگاهی برتر نسبت به مقررات منشور قرار دارند. یکی از مهمترین قواعد آمره ای که شورای امنیت باید در اعمال تحریم های اقتصادی آن را رعایت نماید حق حیات می باشد که بر اساس تفسیر کمیته حقوق بشر دارای مفهومی وسیع است و شامل تامین حداقل کالاها و خدمات ضروری و امکانات اولیه بهداشتی و مراقبت های پزشکی نیز می شود بنابراین تحریم های اقتصادی جامع و گسترده که مردم را از دستیابی به این امکانات محروم میسازند مغایر با قواعد آمره حق حیات می باشد.

در کل با توجه به مطالب مطرح شده می توان گزاره های زیر را در جمع بندی این پژوهش عنوان کرد؛  
۱) حاکمیت مطلق کشورها در تعریف امروزی از حقوق بین الملل جایگاهی ندارد چرا که مبنای نظام بین المللی، همکاری و مشارکت میان کشورهاست تا منافع مشترک خود را حفظ نمایند و ارتقا بخشند. در حالی که تلقی حاکمیت صرف برای کشورها منجر به این نتیجه می شود که حقوق بین الملل وسیله ای برای حل اختلافات ناشی از تعارض میان منافع کشورهاست.

۲) توسل به انواع اقدامات متقابل ممنوع است. کمیسیون حقوق بین الملل، اجبار اقتصادی یا سیاسی شدید به منظور به خطر انداختن تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت را در زمره اقدامات متقابل غیرقانونی فهرست کرده است.



۳) با مشخص شدن اهداف گفته و ناگفته امریکا پیداست که اعمال این تحریمها نمی تواند با حسن نیت حقوقی یا اقتصادی صرف همراه باشد.

۴) حتی با توجه تحریمهای اولیه بی اعتباری تحریمهای ثانویه غیرقابل انکار است. بر این اساس تحریمهای اولیه با دلایلی چون اصل عدم مداخله، اصل آزادی تجارت، تعهدات مختلف بین المللی، نظام مسئولیت بین المللی و حقوق بشر غیرقانونی است. همچنین تحریم ثانویه با دلایلی چون عدم اعتبار فرا سرزمینی بودن قانون از مشروعیت برخوردار نیست.

در واقع اعضای سازمان ملل متحد به موجب ماده ۲۵ منشور که تصریح می کند «اعضای ملل متحد موافقت می نمایند که تصمیمات شورای امنیت را طبق این منشور قبول و اجرا نمایند»، تعهد به اجرای تصمیمات آن شورا را به شرط «مطابقت با منشور» پذیرفته اند، و لذا در صورت تشخیص عدول شورای امنیت از حیطه اختیارات قانونی خود، از نظر حقوقی محق خواهند بود که از موافقت و اجرای آن سر باز زنند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



## منابع و مأخذ:

### الف. منابع فارسی:

۱. اسکینی، ربیعا، « حقوق تجارت (کلیات، معاملات تجاری، تجار و سازماندهی فعالیت تجاری)»، تهران، انتشارات سمت، چاپ هفتم ۱۳۹۴
۲. ایزد پناه، مسیح، حقوق بیمه، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۹۰
۳. ایوانز، گراهام و نونام، جفری، ترجمه مشیرزاده، حمیرا و شریفی طراز کوهی، فرهنگ روابط بین الملل، تهران، نشر میزان ۱۳۸۹
۴. ترابی، یوسف، بررسی روابط اقتصادی، نظامی ایران و امریکا، نشر عروج ۱۳۹۰
۵. زهرانی، مصطفی، تحریم اقتصادی از نظر تا عمل؛ مجله سیاست خارجی؛ شماره ۱۱، سال یازدهم.
۶. شاول، ملکم؛ ترجمه وقار، محمدحسین، حقوق بین الملل؛ تهران ۱۳۸۹
۷. طباطبایی، سیداحمد؛ تحریم های اقتصادی شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه عراق و حقوق بشردوستانه؛ مجله مجتمع آموزش عالی قم، شماره ششم ۱۳۸۶
۸. ظریف، محمد جواد و میرزایی، سعید، تحریم های یکجانبه امریکا علیه ایران، مجله سیاست خارجی، سال یازدهم ۱۳۸۸
۹. والاس، ربکا، ترجمه زمانی، سیدقاسم و بهراملو، مهناز، حقوق بین الملل؛ تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی ۱۳۹۰

### ب. منابع انگلیسی:

1. Al-Ali, Nadjé (2000), *Sanctions and women in Iraq*, Cambridge Press
2. Al-Jawaheri, Yasmin Husein (2008), *Women in Iraq: the gender impact of international sanctions*, Boulder, Colo: Iynne Rienner Publishers.
3. Alston, Philip and Megret, Frederic., (ed), (2008), *The United Nations and Human Rights*, Oxford University Press.
4. Arnove, Anthon (2003), *Iraq Under Siege: The Deadly Impact of Sanctions and War*, 2<sup>nd</sup> edn, South End Press.



5. Bailey, Sydney D.(1994), *The UN Security Council and Human Rights*, Palgrave Macmillan.
6. Barnhizer, David (2002), *Effective Strategies for Protecting Human Rights: Economic Sanctions, Use of National Courts and International Fora and Coercive Power (Law, Justice and Power)*, Ashgate Pub Ltd.

